

افغان مینى مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

انجنیرعبدالصبور فروزان استاد دانشگاه درنیوجرسی

مذاکرات دوحه و پیامدهای آن

انکشاف اوضاع وجو سیاسى که اخیراً پیرامون قضیهٔ به اصطلاح صلح در افغانستان بوجودآمده وناشى ازتصمیم رئیس جمهورامریکا برای خاتمه دادن جنگ آنکشور درافغانستان وخروج عساکرامریکا وسرانجام بقدرت رساندن مجددطالبان میباشد، درظاهرطنین خوشی درگوشهاست ودراظهار نیکوجلوه مى نماید، ولی درعمق غم انگیز ودردناک است ودور ازانصاف وانسانیت که از آن بوى بیعدالتی وپامال حق یک ملتى مى آیدکه درخون وماتم فرزندان شان نشسته است، وبیش ازسه دهه میشودکه قربانى سیاست بازبها وزورگویی های ابرقدرتهای جهان میباشد، وبیش ازهفده سال است که توسط مشتى ازاشخاص فاسد، مفتخور ومزدورصفت بنام تکنوکراتهای غربی که اکثرمطلق شان جاسوسهای سازمانهای جاسوسى جهان اند، گروگان گرفته شده است.

درطى همین اندكى بیش ازهفده سال، گروه فاسد ونابکارى بنام طالب که فاقدهرنوع دین ومذهب وآیین وتعهداست، درتحت پوشش قرآن واسلام، بیش ازشصت هزارانسان بیگناه این کشوررا کشته اند، هزاران هزاراباشندهٔ شهرها وقصبات وقراء کشورا ازخانه وکاشانه هایشان اخراج کرده، هست وبود کشور رابه یغمابرده اند، وآبادى وعمران آنراویران کرده اند.

این باردوم است که سرنوشت کشوردبون آگاهی باشندگان آن دربیرون مرزهای آن توسط اجنبیان تعیین میشود. زمانى بودکه روسهاوانگلیسها باهم نشستند وسرحدات شمالى کشوررا بدون اینکه رئیس دولت وقت که امیر عبدالرحمن خان بود، آگاه باشد، خط کشى کردند ودریای آمو را میان کشور ما و روسیهٔ تزاری بچیث مرز دوکشورنقطه گذارى کردند و مناطق پنجاه، خیوه و پامیرها را ازبدنهٔ کشورما جدادوبه روسیهٔ تزاری تسلیم نمودند. درین معامله دولتین انگلیس وروس حتى از دولت عبدالرحمن نپرسیدند که آیا امیربا این تقسیمات راضى است یا خیر؟! بدتر این که برای امیر که ازین معامله هیچ آگاهی نداشت تنها آنچه را که فیصله شده بود ابلاغ کردند. امیرکه حد خود را مى شناخت (که یک مزدور است) صدایش را نکشیدکه مبادا بادارش آزرده خاطرگردد و آنچه که فیصله شده بود قبول کرد، و ما پنجاه، خیوه وپامیرها را تا امروز ازدست دادیم.

بایدخاطر نشان نمودکه منطقهٔ پنجاه درحال حاضربرزرگترین ذخایرنفت و گاز آسیا را دارد که روسیه برای سالهاست آنرااستخراج واستفاده مى کند !

این بارتصمیم گرفته اندتا طالبان مزدور، این قاتلین مردم افغانستان را بر سینه های داغدیده واندوهگین شان بنشانند وحاکم وحکمران شان بسازند. این درحالیست که هنوزغم واندوه مادرانى که طالبان ایشان رادرماتم فرزندان شان نشانده اند، فرونشسته است، هنوزخون بیگناهمانى راکه طالبان انتحارى کشته اند ازجاده های شهرهای کشورشسته نشده وهنوزپارچه های بدن اطفال، زنان، جوانان، کهنسالان، بیماران، متعلمین ومحصلین که توسط طالبان انتحارى کشته شده اند درشاخچه های درختان آویخته اند .

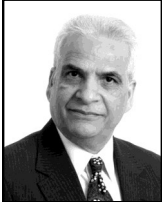
مذاکرات اخیرمیان خلیلزادنمایندهٔ امریکا وطالبان درقطر نمونهٔ دیگری از تعیین سرنوشت کشورماتوسط بیگانگان است که فرجام خونین ونایمومنى خواهدداشت. طرزالعمل هاییکه درین مذاکرات بکاررفته وتصامیمی که درآن صورت گرفته، بدتراز طرزالعملهای روسها وانگلیسها درزمان عبدالرحمن خان است! چه درآنزمان هیچکس حتى خودامیر آگاه نبودکه چه میگذردوچه تصمیمی گرفته میشد که بخشى ازوطن مارا ازبدنهٔ آن جداکردند، ولی اینبار مردم افغانستان همه میدانندکه چه جفاهایی برحق شان صورت میگیرد، تصمیم برسرنوشت آنهاگرفته میشود، امانه تنهااز ایشان پرسیده نمیشودکه آیا این تصامیم راقبول دارند یاخیر، بلکه حتى به آنهاحق سخن گفتن رانمى دهند ودردناکتر اینکه باقاتلان فرزندان شان مى نشینند، خون فرزندان شانرانادیده میگیرند ومیخواهند که وطن شانرایکسره به پاکستان دشمن دیرینهٔ مردم افغانستان تسلیم نمایند.

بنام خدا

شمارهٔ ۱۰۵۶

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری



خانه، موتر، صحت

دانستنی‌های جالب درباره زبان فارسی

۱. زبان فارسی در ۲۹ کشور جهان صحبت می‌شود که در ردیف ششم بعد از زبان اسپانیایی و پیش از زبان آلمانی (از نگاه شمار کشورهایی که در آنها فارسی صحبت می‌کنند) رده‌بندی شده است؛

۲. زبان فارسی زبان دوم کلاسیک جهان پس از زبان یونانی شناخته شده است که همهٔ ویژگی‌های یک زبان کلاسیک را داراست؛ زبان‌های لاتین و سانسکریت در ردیف‌های سوم و چهارم آمده‌اند؛

۳. زبان فارسی از نظر شمار و تنوع متَل (ضرب‌المثل) در میان سه زبان اول جهان جای دارد؛

۴. زبان فارسی از نظر دامنه و تنوع واژه‌ها یکی از پرمایه‌ترین و بزرگترین زبان‌های جهان است. در کمتر زبانی فرهنگ لغاتی چون دهخدا در ۱۸ جلد و یا فرهنگ معین در ۶ جلد دیده می‌شود؛

۵. زبان فارسی توانایی ساختن ۲۲۵ میلیون واژه را دارد که در میان زبان‌های گیتی بی‌مانند است؛

۶. زبان فارسی سیزدهمین زبان پرکاربرد در محتوای وب است؛

۷. زبان فارسی یک سده از لاتین و دوازده سده از انگلیسی جلوتر است؛

۸. از ۱۰ شاعر برتر جهان پنج تن از آنها فارسی زبان هستند.

قدر زبان فارسی را با درست فارسی صحبت کردن بدانیم.

به عبارت دیگرمقامات امریکافقط نگران اندکه افغانستان دوباره جایگاه تروریستهایی که برای امریکا دردسرایجاد مینمایند تبدیل نشود. اینکه وضع زندگی وامنیت مردم افغانستان چگونه میشود ودولت غنی احمدزی به چه سرنوشتی دچارمیگردد، موضوع دلچسپی برای امریکانبوده وادارهٔ ترمپ به آن هاجنندان علاقمندی نشان نداده است! آقای خلیلزادینیزدردمذاکراتش درین موارد چیزی نگفته و کدام هدایتی برایش داده نشده است. ولی یک حقیقت خیلی واضح است که طالبان نه تنهادولت احمدزی رابرسمیت نمی شناسند بلکه حاضرنیستند حتی رویاروی مذاکره کنندیا درآن مذاکراتی که نمایندهٔ غنی احمدزی حاضرباشد اشتراک نمایند.

این واکنش طالبان نشان میدهدکه ایشان بهیچ وجه نمی خواهندکه دولت فعلی راشریک قدرت خودداشته باشند ودولت امریکا این مطلب رابخوبی درک کرده است! قرائن نشان میدهدکه مقامات امریکابه دولت غنی احمد زی چندان علاقه نداردوبیشتر کوشش میکندکه رضایت طالبان راحاصل کند.

طالبان در این مذاکرات به صراحت گفته اندکه دولت غنی احمدزی را در قدرت شریک نمی سازند، قانون اساسی را قبول ندارند، به انتخابات عقیده مندنیستند ، که مقامات امریکا درمورد این خواست های طالبان عکس العمل نشان نداده اند و معلوم می شوداین موضوعات برای امریکا بی تفاوت اند، چنانچه درمذاکرات مستقیم یا غیرمستقیمش باطالبان نه تنهابا دولت کابل مشوره نکرده، بلکه موجودیت آنرانیز نادیده گرفته است! و مستقیماباطالبان درمذاکره ومعامله نشسته است، که این خودنشان میدهدکه امریکاکنون به این نتیجه رسیده که پافشاری بردوام دولت غنی احمدزی بیهوده است و پذیرفته اندکه عمرآن دولت به پایان رسیده است !

دانالد ترمپ برعکس جورج بوش و اوباما، ازآغازکارش دلچسپی چندانی به مسأله افغانستان نداشت وعلاقمندداشتن روابط دوستانه چه کی به رابطهٔ نزدیک بااشرف غنی احمدزی نداشت. چنانکه زمانی که غنی احمدزی در سپتمبر۲۰۱۷برای اشتراک دراجلاس مجمع عمومی ملل متحدبه نیویارک آمده بود، ترمپ اورادرقصرسفید دعوت نکرد وفقط به ملاقات کوتاهی بااودریک هوتل نیویارک اکتفانمود، امازمانیکه ترمپ به خروج عساکرامریکا تصمیم گرفت وخلیلزاد راوظیفه دادتا (دنباله درصفحهٔ ۸)

تصامیمی که درین مذاکرات برآنها جروبحث شده، همه بازتاب خواستههای طالبان وامریکا میباشدکه به حق مسلم مردم ماهیچ ارزشی داده نشده است! مثلاً درین مذاکرات گفته شده که عساکرامریکا ز افغانستان خارج میشودکه خواستهٔ طالبان است، طالبان تعهدمی نمایند که به تروریستهایی که بضدامریکا عمل میکنند اجازهٔ اقامت وفعالیت رانمی دهند! که خواست امریکاست. امریکا با رهایی جانیان طالب رادربرابریک تبعه امریکاکه درسال۲۰۱۶ توسط آنان اختطاف شده بود وعده میدهند، که جفای بزرگی به حق مردم ماست، که این طالبان جان عزیزان شانراکشته وخودشان رابخاک و خون کشانیده اند. امریکا به طالبان اجازه میدهد(به گمان اغلب کمک میکند) که حکومت طالبی رادوباره درافغانستان رویکار بیاورند. این نه تنهایک امتیازبزرگ است که امریکابه طالبان که خودتروریستهاند میدهند بلکه به دولت افغانستان ومردم که آنهارا دوست وهم پیمان خودمیگفتند، خیانت وجفا می نماید. همکاری امریکا درایجادمجدد دولت طالبان وسپردن عنان کشوربه آنهابه آن میماند که گرگان وحشی ودرنده خو وگرسنه را در رمهٔ گوسفندان رهانمایند! امریکاطالبان رابهترازهمه میشناسد وخوب میداندکه اگرکابل بروندچه می کنند؟! طبعاً که خون میریزند، قتل وقتال نمایند، ظلم ویدادمیکنند، نیش گزردن نه ازپی کین است – مقتضای طبیعتش این است !

این مذاکرات که بیش ازشش روزمتواتر دوام کرد وساعتهارا در برگرفت، قراربودکه درعربستان سعودی صورت گیرد تالازجنبهٔ مذهبی آن کشورکه قبیلهٔ مقدس مسلمانان بدانسوست استفاده شود، ولی مقامات شاهی آنکشور نپذیرفت وشهر دوحه پایتخت قطر توصیه شد. درمذاکرات قطردرپهلوی زلمی خلیلزاد نمایندهٔ خاص امریکاکه ریاست هیئت امریکارابدوش دارد، خانم Lisa Curtis یک دپلمات بلندپایهٔ امریکا که معاون دستیاررئیس جمهورترمپ است نیز حاضر بود. درروزهای اول مذاکرات کسانی ازطالبان نمایندگی می کردندکه نام ایشان درجایی ذکرنشده ومعلوم میشودکه اشخاص دون پایه بودند ونتایج چهارروزاول چندان دلچسپ نبود. احتمالابه تقاضای خلیلزاد بوده باشدکه درروزچهارم ملاعبدالغنی برادریبحث نمایندهٔ طالبان تعیین شدو پاکستان متقاعدبه پذیرفتن این مقرری شدند. ملابرادررسال ۲۰۰۱ هنگامیکه طالبان ازکابل رانده شدند، باجمعی ازسران طالب که درحال گریزبودند، مکتوبی به حامدکرزی که تازه به کرسی ادارهٔ موقت نصب شده بود روان کرد وتقاضای تسلیمی ومذاکره نمود، که امریکا آنرازد کردوسفارت امریکا به کرزی هدایت دادتادرجواب مکتوب ملابرادرینویسدکه امریکاشکست قطعی طالبان رامیخواهدنه مذاکره باآنها را. ملابرادر وهمراهانش مأیوس شده بداخل پاکستان پناه بردند. تااینکه مقامات نظامی وجاسوسی پاکستان درسال ۲۰۱۰ ملابرادر را توقیف نمودکه برای مدت زیادی دراسارت بسر برد. جنرال آصف غفور سخنگوی ارتش پاکستان اخیراً گفت که خلیلزاد طی سفرهای کاری اش به پاکستان ازآنهاچندین بار تقاضا کردتاملابرادر رااززندان رها نمایند، سرانجام این خواهش خلیلزادپذیرفته شد ودرماه اکتوبر۲۰۱۸ ملابرادر را اززندان رهاکردند. جنرال غفورمیگوید که خلیلزادبه مقامات نظامی پاکستان گفت که رئیس جمهورترمپ ازآنان تقاضامینمایدتا طالبان رابه مذاکره حاضر سازند، ومقامات پاکستان درین موردهمکاری نموده اند.

بایدیادآورشدکه خلیلزاد درگذشته چندین بار باطالبان درقطر و بعضی نقاط دیگرجهان ملاقاتهایی داشت که چندان مثمر نبود، ولی طوریکه معلوم میشود این باربرایش وظیفه داده شده تاز خروج عساکرامریکابه طالبان اطمینان بدهد وازآنهاتعهد بگیردکه در آینده برای تروریستهایی که برضدمنافع امریکاند درافغانستان پناهگاه ندهند! خلیلزاداین دومطلب رابه مراتب درهرصحبتی با هرکسی که داشت، تاکید وگوشزدنمود. اوپیام وخواستههای ترمپ رابه آن شدتی که لازم است به طالبان، به دولت غنی احمدزی وسایردول دیدخل در قضیهٔ افغانستان رسانیده وهمهٔ جوانب بادقت تمام به آن پی برده اند. این پیامها بدان معنی اندکه هرچیزی که طالبان میخواهند درافغانستان انجام دهند امریکا درموردآن بی تفاوت است!

استاد امیر کیفی
انتیاک ، کالیفورنیا
جنگ در افغانستان را متوقف کنید

بوردنشراتی روزنامهٔ نیویارک تایمز درهفتهٔ دوم ماه فروری ۲۰۱۹دربارهٔ جنگ افغانستان چنین اظهارنظر کرد: جنگ رادرافغانستان متوقف کنید.
وقت آن رسیده که عساکرامریکابه خانه برگردند.

کانگرس امریکادرسال ۲۰۰۱ به رئیس جمهوربوش (فرزند) صلاحیت دادتا درافغانستان مداخلهٔ نظامی کند ورژیم طالبان راکه ازتسلیمی بن لادن به امریکا اباً ورزیده بود سرنگون نماید وبن لادن رابه چنگال عدالت بسپارد.

در کانگرس وسنای امریکا تنها یکنفروکیل بنام باربرالی آنهم ازیالت کالیفورنیا مربوط حزب دموکرات مخالففت خودرانشان داد وگفت که جنگ ویتنام تکرارخواهدشد واشتباه بزرگ تاریخی صورت خواهدگرفت. این نماینده گفته بودکه ماباید احتیاط کنیم که جنگ پایان ناپذیرنداشته باشیم.

جورج بوش بعدازچندروز درمجلس کانگرس حضوربههم رسانیدوگفت که پلانش وسیع وسنجیده شده است، و ازصلاحیت نظامی اش استفادهٔ درست خواهدکرد. وی گفت جنگ ماعلیه القاعده آغاز وتاوقتی ادامه پیدامیکنندکه تمام گروههای تروریستی درسراسرجهان سرکوب شده وازین بروند.

اکنون که بیش ازهژده سال میشودمابرضدتروریستهها در ۸۰کشور وشش براعظم درگیرهستیم،قیمت این جنگ بشمول افغانستان وعراق به ۹/۵ تریلیون تااخیرامسال میرسد. این تخمین ازطرف دانشگاه براون Brown Universityبرآوردشده است. چون مصارف جنگهابطور قرضه تهیه میشود لهدذا کلیه مصارف باسودآن خیلی ها بلندخواهد بود.

گرچه جنگهایی که علیه تروریسم صورت میگیرد بنامهای مختلف یادمی شوند، امادرامهیت یک چیزهست. تاکنون دراین جنگهاحدودنیم ملیون انسان حیات خویش راازدست داده اند. بیش از۷/۲ میلیون امریکایی درآنهااشتراک کرده اندسالهای ۲۰۰۱ تاکنون رادربر میگیرد، حدودهفت هزارعسکر امریکاو حدود۸ هزارقراردادی کشته شده اند، زیاداز ۵۳۷۰۰ امریکایی به نحوی ازانحاً معیوب شده وعدۀ هم به نارامی های روحی مبتلاشده اند. زیاده از یک ملیون درصحنه های جنگ خدمت کرده وازدیارتمنت معیوبین کمک می گیرند.

خونی که ریخته وبولی که مصرف شده به این هدف بودکه ازریختن خون درداخل امریکاجلگیری شود. این سخنی بودکه جورج بوش درسال۲۰۰۴ بیان داشت: «مااین جنگهارادرافغانستان وعراق پیش میبریم تامجبورنشویم در خاک خود با آنها روبرو شویم. »

امانفرت سرحدندارد. این درست است که بعداز۹/۱۱ هیچ گروه تروریست به عمل تروریسم درداخل امریکادست نزده است، اماپیش ازدوصدعمل تروریستی درداخل کشورازطرف اشخاص انفرادی که به افراطیت وایدلوژی افراطی منسوب بودند صورت گرفته است. نصف این اعمال ازطرف مسلمان های افراطی انجام یافته است وهشتادعمل تروریستی ازطرف سفیدپوستان متعصب عملی شده است. هنگامیکه داندلترمپ به قصرسفیدراه یافت، یکی از اهداف اصلی اش توجه به ستراتژی نظامی بود. گرچه پالیسی خارجی ترمپ غیرمترقبه ودربسیاری حالات شکننده ومتضادمییباشد باآنهم درسطح جهان از یک توان نسبی برخورداراست .

نخستین هدف امریکاعبارت ازدستگیری بن لادن وپسرانش به چنگال عدالت بود، این کارصورت گرفت. هدف دومش حکومتمداری خوب وحمایهٔ حکومتی بودکه بتواند به پای خودایستادشود، بتواند ازشهرونداناش حمایه کند، علیه دشمنان خودمبارزه نماید، این هدف بدون بکاربردن منابع امریکایی ناممکن بود. امریکا منابع ضروری رادراختیار حکومت افغانستان قرارنداد، و درین راستا هیچ سرمایه گذاری نکرد. شانه خالی کردن ازجنگ یک ستراتژی نیست، امابایک طرح درست و پلان سنجیده شده میتوان قوای ناتو را بدون اینکه تلفات جانی دربرداشته باشد ازکشور بیرون کشید. دوعسکر امریکا درسالجار۲۰۱۹ کشته شدند، بایدهیچ امریکایی درجنگ مداخله نداشته باشد .

Omair Weekly

12286 Ashmont Ct. # 202

Woodbridge, VA 22192 –7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسنول : محمدقوی کوشان

داکتر لطیفی

درس های ممنوع

دربخش نظری به انتشارات امیدشماره ۱۰۵۴ به معرفی مختصر کتاب(درس های ممنوع) نگاشتهٔ بانوی گرامی ثریا سدید پرداختم، که نسبت ضیق صفحات جریده، بخش پایانی آن ازنشربازماند. اینک دنبالهٔ آن تقدیم میشود:

ازوادی گلهای شیطان گذشتیم وبه یک معبربلندرسیدیم. موتربه آهستگی می خزید مثل اینکه آخرین نفسهایش رامیکد. درمقابل مالاریهایی که از پاکستان آورده بودند، کاروانی رادرامتداد جاده تشکیل داده بود. ناگهان صدای شلیک گلوله های پیهم آramش جاده رابههم زدوچندموتر پیکاپ که نمیدانم از کجاییداشدند، لاریهای مارااحاطه کردند، آتش گلوله هافضا را روشن کرده بود.

داکترمنگل باپیشانی به راننده گفت: بروبه دربورهابگو که ازموترباین نشن ومتوجه کمپلهاباشن، مه میرم همراهی شان گپ میزنم. وبعدباعجله از موتر پایین شد، پسر جوانی که تفنگ بزرگی راحمل میکرد پیش آمدواز داکترمنگل پرسید: ده موترآ جی بارکدین؟ داکتر: هرسه موتر فقط کمپل اس جوان: کجامی برین؟ – به کمپ حصارشاهی بخاطرکمک به مهاجرین. پسر بادست اشاره کردودیدیم که چندنفرکه همه مسلح بودند به موترهانزدیک شدند وبدون توجه به داکترمنگل، سرنیزه های تفنگهای شانرابرکمپل هافرو بردند وکمپل هارایبرون کشیدند (ومیخواستند چندکمپل رابحساب مالیهٔ راهی که دراختیارداشتند غصب کنند...) بهرصورت ازچندین محل تلاشی گذشتیم تاکمپل هارابه مقصدرساندم...

ثریاجان سدید درصفحهٔ ۵۵ کتابش راجع به اوضاع اسف انگیزکمپ بیوه ها چشمدید خودرا چنین نوشته است: تقریبا بعداز۱۲ساعت دوباره به پشاور رسیدیم ومن مستقیما به هوتل گرین رفتم. روزبعد انیسه گفت که داکتر عبدالله خانهٔ راپیداکرده که

مذاکرات امریکا باتالبان ظاهراً پیشرفتهای تشویقی دارد، حکومت افغانستان دراین مذاکرات به حاشیه رانده شده است، زیرطالبان این حکومت را دست نشانده میشناسند وغیرقانونی. بهرصورت اگر ناتو افغانستان راترک کند وطالبان به قدرت برسند هیچ تضمینی وجود ندارکه طالبان به وعده های که هیچگاه ازحاک افغانستان حملات تروریستی صورت نمی گیرد، و افغانستان پناهگاه تروریستان نخواهدشد استوار باشند. اگر احياناً چنین اتفاقی افتاد، امریکامیتوانددوباره به افغانستان داخل شده وآنچه لازم باشدانجام دهد.

کانگرس بایدافغانهایی که بانظامیان امریکاکارکرده ویا باناتوهمکاری کرده اند به امریکا اجازهٔ ورود داده شوند، تعدادشان شاید به صدهانفربرسد.

بعضی هافکرمیکنندکه خروج قوای ناتو ازافغانستان منجربه جنگهای داخلی میشود. طبیعی است که درین حالت عدۀ زیادی از مردم حیات خویش رااز دست میدهند یامجبوربه مهاجرت اجباری شوند. همچنان حقوق زنان ودختران به خطرمواجه خواهدشد ورژیم بربریت پیش از۲۰۰۱ باردیگرتکرارخواهدشد، مگر اینکه کشورهای ایران، پاکستان، روسیه وچین دست بهم دهندوهمکاری صادقانه نمایندتا آنرا رابه یک کشورباثبات وعاری ازتروریسم تبدیل کنند.

ناکامی رهبران امریکا، جنرالان نظامی وسیاستمداران ملکی درهرسه ادارهٔ بوش، اوباما وترمپ نشان دهندهٔ آنست که هیچ ستراتژی روشن نداشته و ندارند. از پنتاگون تاوزارت خارجه، تاکانگرس تاقصرسفید ایجاب میکندکه یک طرح منطقی وعاقلانه ترتیب وبه منصهٔ اجراگذارند وبراساس آن خروج نیروها ازافغانستان عملی گردد وجنگ خاتمه یابد. بایدتمام میدای خبری این موضوع راتعقیب وپیگیری کنند که چرااین جنگ درتاریخ امریکابه این اندازه طولانی شد.

ما بایدبدانیم که جنگ خارجی واکسین نیست که ضدتروریسم جهانی تزریق شود. درواقعیت تعدادتروریستههای اسلامی از۲۰۰۱ به اینطرف زیادشده است. علت عمدهٔ آن لشکرکشی های امریکاونظامیان این کشوربوده است. از دوده به اینسو حملات تروریستی دراینجا وآنجا واضح ساخته که تروریسم یک تکنیک است نه یک قوه و این کدام سرحد ندارد، بعضی اوقات میتوان محو ونابود کرد وبعضی اوقات درامحای آن ناکام ماند.

اگر کوششهای مبنی بربرخوردباتروریسم بین المللی به شکل متداوم انجام گیرد، ایجاب میکندکه استخبارات دوامدار توأم بادپلماسی صورت گیرد نه جنگ بدون هدف و پایان ناپذیر . عساکرما درافغانستان شجاعانه جنگیدند اکنون وقت آن رسیده که به کشورخود برگردند./

مترجم: عجب! به این سادگی بازملت مظلوم وبیچارهٔ افغانستان رادر گودال بدبختی رها کردن است !

صفحهٔ دوم — 10

PAGE 2

فکرمیکند برای تاسیس کلنیک مناسب باشد و منتظراست تابامشورهٔ همه برای کلنیک نام انتخاب کنیم.

به دیدن خانه رفتیم جای خوبی بود واتاقهای فراوان داشت. بعدازیکی دوساعت بحث ونظرخواهی همه کلمهٔ آریا راانتخاب کردیم که مخفف آریانا بودوبرای همه افغانهاقابل قبول بود. بدین صورت اولین کلنیک موسسهٔ کمک به اطفال افغانستان در پشاور بنام کلنیک آریا افتتاح شد.

داکترعبدالله(عثمان) بحیث آمرکلنیک وآقای نوابی بحیث مدیراداری تعیین گردید. داکترعبدالله باسابقهٔ طبابت درپشاور وشناختی که ازداکتران ونرسهای افغان داشت، درمدت کوتاهی دوازده نفرداکتر، نرس ومامورین اداری رابه حیث کارمندان کلنیک استخدام کرد. آقای نوابی هم لس‌ت مصارف کلنیک راتهییه کردکه بامشاهدهٔ آن سرم گیج رفت، کرایهٔ تعمیر، معاشات، تجهیزات طبی، دوا ودهها چیزدیگر، که هیچیک آن ارزان نبود...

یکی ازمشکلات ماتهییهٔ دوا بود. من دراول فکرمیکردم که میتوانم به آسانی ازشفابخانه هاویاموسسات دواسازی درامریکا کمک بخواهم وبهمین دلیل هم به همه وعده کردم که بهتری ادویه رابه کلنیک خواهم فرستادتا مریضان مجبورنباشند ازدوای بی کیفیت پاکستان استفاده کنند.»

نویسندهٔ دردآشنای کتاب، ثریا سدید راجع به آمدن طالبهادر دیدگاه اول نوشته: «آمدن طالبان رابه فال نیک گرفتم وباخودگفتم که حداقل مردم ما از باران راکتها رهایی یافتند ومنهم بعدازسالها به آروزم که تاسیس مکاتب است خواهم رسید. اما وقتی شنیدم که آنهاذراولین هفتهٔ که واردکابل شدند و حاکمیت زن ستیزانهٔ خودرا بابستن دروازه های مکاتب بروی هزارهдахتر اعلام کردند، بسیارناامید شدم. بایدبگویم که تعدادزیادی ازمکاتب شهرکابل درزمان مجاهدین هم بخاطرعدم امنیت وگاهی بخاطرتعصب بسته بودند.

طالبان عقیده داشتندکه کابل مرکزعیاشی وبی بندوباری ومکاتب این شهر زمینه سازپخش مفکوره های منحط غربی است. ازهمین روبزودی مکاتب پسرانه راهم مسدودکردند وتنهابه مدارس دینی اجازهٔ فعالیت دادند. هزاران شاگرد ومعلم صبورانه درانتظار روزی بودندکه دروازهٔ های مکاتب دوباره به رویشان بازگردد، اماگذشت هرروز طالبان برقیودات شان می افزودند وقوانین احمقانهٔ جدیدی راوضع میکردند...»

«تاپاییزسال۱۹۹۶طالبان اکثرقسمتهای افغانستان راتحت حاکمیت خودقرار داده بودند،«اتحادشمال»وادی پنجشیر ودو ولایت دیگردرشمال افغانستان را تحت ادارهٔ خودداشت.

درواشنگن هم چنین معلوم میشدکه حکومت امریکاکه سالهابودوافغانستان رابه فراموشی سپرده بود تازه ازواضع نابسامان آنجا وحضورطالبان آگاهی یافته است. سثوالی که دولت امریکابه آن مواجه بود این بودکه آیاطالبان را بحیث حکمروایان جدید ومشروع برسمیت بشناسد یانه، ازیکطرف کسانیکه درپروژه های پرمنفعت تیل وگازطبیعی سهم داشتندبه بهانهٔ اینکه طالبان در افغانستان امنیت رابرقرار کرده اند، میخواستندکه دولت امریکا آنها رابرسمیت بشناسد تاآنها بتوانند بااحداث لوله های تیل وگاز مفادکلانی بیجیب بزنند. از طرف دیگرنشرات بین المللی خبرهای وحشتناکی راوزخشونت ومحدودیتهای که طالبان برای زنان ودختران افغان وضع کرده بودند نشرمیکردند، واین باعث گردیدکه موسسات حقوق بشروحمایت ازنزها درامریکافعالیتیهای متداوم وموثرخودراعلیه طالبان براه اندازند...»

بالاخره کمیتهٔ روابط خارجی سنای امریکاجلسات سه روزهٔ رابه منظورنظرخواهی ازکسانیکه به نحوی ارتباط به افغانستان داشتند، دایرنمودکه درآن تعدادی ازامریکاییان وافغانهااشتراک کرده بودند. منهم درین جلسات دعوت شده بودم تادرموردواضاع افغانستان، وضع زنان واطفال چشمدیدهای خود صحبت کنم. درروزدوم جلسه افغانهایی بعددیگرباخواندن مقالات طولانی نظریات خود راارائه کردند، من که فقط باچندپادداشت آمده بودم، وقتی دیدم که دیگران چندورق منظم وتایپ شده بدست دارند، کمی مشوش شدم اما می دانستم که اکثریت شان سالهاست که به افغانستان نرفته اند واوضاع راتنها از راه رسانه های جمعی تعقیب کرده اند...»

بانوی حساس وطن ثریا سدید یکی ازچشمدیدهایش راجنین شرح داده: «تاریکترین روز: هرباری که ازافغانستان برمیشتم خودراملامت میکردم که چرا بازهم بدون محاسبه، مسئولیت یک پروژهٔ جدید رابدوش گرفته ام. در سفراخیرهم نه تنهابه صابره وعده کردم که مکتبی رادرسمنگان افتتاح خواهیم کرد، بلکه به آقای زاهدهم قول دادم که مصارف دوای کلنیک لوگرامی پردازیم. امامیدیدم که پولهای زیادی درحساب بانکی موسسه نیست واز تشویش اینکه شایدنتوانم مصارف پروگرامهاو معاش مامورین رابپردازم، گاهی خوابم نمی برد. (صحهٔ یازده)

مشتاق احمد کریم نوری
پادشاهت زبان مادری و حرمت فرهنگها
موردتایید وتاکید یونسکو و ملل متحد(۱۰)

این سلسله که ممکن درسال جدید هجری شمسی بدسترس خوانندگان عزیز هفته نامهٔ مردم افغانستان، امید، قرارمیگیرد، تبریکات صمیمانه و مخلصانهٔ مان رابخاطرحلول سال جدید خورشیدی ۱۳۹۸ باخودهمراه دارد. هرچندبهار فرارسیده ولی بویی ازبهار وگل به مشام نمی رسد. ازنوبهار تابهار و همه فصل ها مردم عزیزما دم خوش نمی زنند. درسابق دربهارهامردم مامنتظر می بودندودقیقه شماری مینمودندتاسال نو تحویل شود، اما دردا ودریغاکه بهار تازه درآستانه آمدنست ومردم درتشویش واندوه که(مخالفان سیاسی وبرادران ناراضی) امسال حملات بهاری شان راشدت می بخشندهوباگسترش وحشت و دهشت وانفجار و انتحار بیشتر درحال برنامه ریزی اند. سرازحالا بمب دستی، راکت، ماین وخمپارهٔ شانرا بنامهای حمل وثور وجوزا مسمامی نمایند!

وقتی به صحرا میروی لاله را داغدار دیدم داغهایم تازه شد. صحرا رفتم لاله را داغدار دیدم داغهایم تازه شد.

باران که درلطافت طبعش خلاف نیست

درباغ سبزه روید ودرشوره زار خس قراربودانتخابات ریاست جمهوری هم دراین بهارانجام شود ولی آنراموکول ساختندبه تابستان، درین فاصلهٔ بهار وتموز وعده های سرخرمن دیگری هم داده شد مثل: انتخابات شفاف! به ثمرنشستن مذاکرات صلح وتدویرلویه جرگهٔ مشورتی! کسانی هم دست اندر کاران همچومحافل ومجالس میباشندکه دکانداری ودغلبازی به شعل روزمرهٔ شان مبدل شده وبرای فروش متاع تقلبی شان دکان کشوده اند، ولی خودرا سیاستمدار(مداری) جامیزنند. کارل مارکس گفته سیاست مداربهای آمانوراگرباهم توافق کنند دارایی های مان رامی دزدند واگربه اختلاف برسند جان ما را !

ونستون چرچل گفت«ازقبرستانی میگذشتم، چشمم به لوحه سنگی افتاد: آدم راستگو و سیاستمدار شریف! درحیرت افتادم چون اولین باری بودکه دو انسان رادریک قبر می دیدم !!!!»

سیاستمدارانی که مداری اند تا مدار، باکدام طرح منطق واستدلال به نبرد در برابر همه دشواری ها وچالش ها می روند؟ استخبارات منطقه همه را منزوی وتنهاساخته راهی است، وآنان هم دوان بهرطرف در مجموع باحقه بازی وحیرانی فضای حاکمه را احاطه ومحدود نموده تا به نحوی ازانجا هرکدام راجداجدا بشکند وخرد وخمیرنمایند!

درهمچوها وفضا که ایجاب ایجادهمبستگی واقعی ملی رامی کند وترکیز برمحور گزینهٔ ملی واشخاص خوشنام، ودوری ازکسانیکه بارهاموردآزمون قرارگرفته اند، کابوس دشمنی رابه تکان می آورد. پس خودرا قوتیربزازیم و مطیع ومنقادهرشخص وهرگروه نباید قرارگرفت. زیراگذشته برملا ساخته که هرزمانیکه زمینهٔ خیزش وجنبش وتپش پیدامی شود، دستان مرموز حرکات فتنه خیزشانرا شدت میبخشند. تجربه ثابت ساخته که هربارکه توپ درمیدان ملت قرارمیگیرد، بارخنهٔ دشمنان به ایجادچنددستگی ودستپاچگی منتهج میشود.

نیچه دانشمندبزرگ میگوید سیاستمداری هاانسانهارابه دودسته تقسیم نموده: ابزارها و دشمنان . درهمچواوضاع واحوال که باهیاهوی بسیاربرای هیچ توأم است. اکثرکاندیدان انرژی شانرابرای معاون یابی ویارگیربهاو بد راهی ها وبقولی برضد تکت گروه دیگربه مصرف میرسانند، شکل وشمایل هرتکت انتخاباتی روی قومیت وزبان شکل میگیرد، اماازنگاه طرح برنامه و دیدگاه تعلیم وفرهنگ عاجز وضعیف اند.

هیترلر درزمان جنگ چندموضوع رامدنظرداشت، یکی معلمین را ازهرنگاه موردحمایت وتقویت قرارمیداد ومیگفت اگرجنگ راببریم یابازیم مربی هاو مدرسین برای توسعهٔ تعلیم وتربیه همت گمارند. هکذا بخش ارشاد وفرهنگ رانیز ازنظر نینداخته بود وبه گوبلز وزیرفرهنگش توصیه نمودکه اهل قلم و کلام رامدنظرداشته باشد. گوبلز که لباس نظامی هم میپوشید، ولی درعرصهٔ فرهنگی درتلاش و کوشش بودکه نظامی هاوغیرنظامی هابه قلت فرهنگ و زدودن آن مواجه نشوند!

امادرکشورجنگزدهٔ مان همین وزارت اطلاعات وفرهنگ راییبیم بارها دعوا وجنگ سرنامگذاری آن بلندبوده تا برنامه های واقعی تقویت اطلاعات وفرهنگ کشور. این وزارت که درواقع از وزارتهای کلیدی است،هیچگاهی موقعیت واهمیش درک نشده ومعمولاشخاص بنام سهمیه وانگشت ششم به این نهادمی آورند وآنهاهم به شکل جاده صافکی زبان وادیات وفرهنگ وکلثور و کلچر وثقافت بوده اند برای مطرح ساختن زبان ملی وزبان رسمی که حاصل فکری همین ها بوده که هیچگاه سرتعظیم وتکریم به بافت اقوام و حرمت زبانها وهمبستگی واقعی ملی نداشته اند! هرچندکه سروصورت وژست های گونه گون بخودمیگرفتند، ولی مفکوره ها واجرات شان قرون وسطایی بوده است .

اخیراً درآستانهٔ روزجهانی زبان مادری، باری معین جوانان آن وزارت، تیمورشاه اسحاق زی گفت: افغان یو، مسلمان یو بیا انسان یو ! معین دیگر آن وزارت کمال سادات دربارهٔ انتخاب احمدزی اظهارداشت: انتخاب اشرف غنی شفافترین انتخابات درافغانستان است ! این دونقل قول بخودی خودگوییندهٔ افکارمسئولین این وزارت کلیدی راییان میدارد، که هرموردبی مقداری رامنعکس می سازد جز تقویت اطلاعات و فرهنگ کشور! طوریکه درشروع بخشهای این سلسلهٔ دوامدار برتبصره بر (۲۱ فبروری، روزجهانی زبان مادری وعلت وانگیزهٔ چنین نامگذاری توسط یونسکو وملل متحد) نگاشته ام، اضافه میدارم که بعداز زایش وپیدایش غدهٔ خبیثهٔ بنام پاکستان درسال۱۹۴۷ ورویکارآمدن علی جناح که قایداعظمش میخوانند!اولین جرقه های سلطه وسیطرهٔ زبانی بصدادرآمد که گویاتنهازبان اردو زبان ملی ورسمی پاکستان پنداشته میشود. نواحی پاکستان شرقی آنوقت احتجاج نمودندکه زبان بنگالی هم زبان رسمی وملی باشد. اما بعدازجناح هم زمامداران بعدی پاکستان آهنگ اردو سازی زبانی را ادامه داده وبرطبل خشونت کوبیدند، واعتراضها گسترده شده محصلان یونیورستی داکه (پایتخت پاکستان شرقی) به مقاومت برخاستندوصداهای مقاومت وطینن آوازارها به فریاد مبدل نموده شعار: اگرهموطن خوب نشدیم، همسایهٔ خوب میشویم) را انعکاس دادند.

بهرصورت، درآستانهٔ روزجهانی زبان مادری، اخیراً بی بی سی گزارش کردکه فرهنگیان افغانستان توسط مسئولین امنیتی پاکستان تحقیرمیشوند. فرهنگیان افغانستان وپاکستان ابرازداشته اندکه تنش ویی اعتمادی سیاسی میان کابل واسلام آباد برارتباطات فرهنگیان دوطرف تاثیرات منفی گذاشته فعالان فرهنگی افغانستان مدعی اندهروقت که برای شرکت درنشتهای فرهنگی به پاکستان رفته اند، درآنجا ازسوی دستگاههای اطلاعاتی وامینتی پاکستان مورد اذیت وآزارقرارگرفته اند.

درووزهای اخیرشاعران نامدار مناطق خیبرپشتونخوا که برای شرکت در سمینارخوشحالخان ختک بکابل سفرکردند، روی این نکته مکث نمودند. اباسین یوسفزی یکی ازچهره های برجستهٔ ادبی خیبرپختونخوا هرچندازطرح مسایل استخباراتی وسیاسی بین دوکشور اباورزید، اماگفت ارتباطات فرهنگی وهنری بین دوکشورهمسایه بااهمیت است. اوبزبان شاعرانه میگوید:(اغیار دورن خانه دیوارهم بکشند- عبوربلبل از دیوارگلی کارمشکلی نیست!)

بگفتهٔ او اهاالی فرهنگ دوطرف تلاش وکوشش دارندتاخارج ازمجرهای حکومتی روابط فرهنگی بین نویسندگان وشاعران دوطرف راتعمیم وتوسعه بختشند. نقش فرهنگیان وهنرمندان مهم است، نویسندگان وهنرمندان چشم و چراغ وزبان وفکر جامعه واقوام هستند، زمانیکه این چشمها ومغزهافکرمی کنند، این فکرمشترک است که باید حرمت شود. فرهنگیان افغانستان باور دارندکه فرهنگیان پاکستان بخصوص خیبر پختونخوا قدر میشوند درسمینار(خوشحال نابعه) که درکابل برگزارگردید. اشرف غنی احمدزی به تقدیراز درویش درانی گفت هروقت غمی داشته باشد آثار درویش صاحب رامطالعاه می کند!

خوشحال روهی ازفعالان فرهنگی که درنشتهای فرهنگی وادبی نویسندگان دوکشورهمسایه رابرگزارمیکندند، ازشفرهایش به پاکستان تجربه های ناخوشآیندی دارد، اومیگویددرسفرها به پاکستان گاهی بامزاحمتهایی مواجه شده است. محدودیتها سال به سال ازطرف پاکستان وضع میشود و هنگام عبور از مرز بامشکلات مواجه بوده ایم، روزی پس ازعبور از مرز در مسیرراه (سازمان اطلاعاتی) اورا بازرسی نموده پاسپورتش را گرفتندو بعد کاپی کردند وحتی از اوخواستندعکس بگیرند، تا مانتوانیم درآینده هادر نشتهای فرهنگی اشتراک کنیم، هرچند برخورد فرهنگیان پاکستان گرم و صمیمی است.

درسالهای اخیرتنها دفترمیدتوتیک افغانستان درزمینهٔ بسازفعالیتهای مدنی کارمیکندد ویش ازپنجاه نشست علمی وفرهنگی برگزارنموده است. محمد عاطف فقیرزاده رئیس میدتوتیک گفت روابط تنش آلودسیاسی همواره فعالیتهای فرهنگی میان دوکشور را تحت الشعاع قرار داده است.

حضور پررنگ نویسندگان پاکستانی درجشنواره های شعرگل نارنج ننگرهار، گل انار در قندهار ومشاعرهٔ دریای هلمند وهکذا پیاز زعفران در هرات باستانی که قراراست همه برگزار شوند، می آیند تا همه مصائب کنار زده شده، و رابطهٔ فرهنگی حفظ شود .

علی ایحال، فراگیری هرزبان هنراست وندانستن زبان وفرهنگ، خودبی هنریست. چنانچه یونسکو تاکید وتایید میداردکه زبان مادری رافراگیرید و هرزبانی رابا مهربانی فراگیرید چون مهربانی زبانی است که ناشوا درکش می کند و هم نایینا از آن مستفیدمی شود . (دنباله درصفحهٔ دوازم)

برگی از قصص الانبیاء

عزیر علیه السلام

(عُزیر بر وزن زُبیر)، مرد وارذباش شد وباغی دید بادرختانی سرسبز، سایه های گسترده ومیوه های زیاد ودر دسترس، که بلبلان درآن نوای چهچه سر داده بودند وپرنندگان نغمه سرایی میکردند. وی ساعتی ازوقت خودرا در آنجا به استراحت وتفریح وبهره گیری ازجلوه های شکوه وزیبایی باغ گذرانید وسپس زنبیلی را پراز انگور و زنبیل دیگری راپر ازانجیر نمود و مقدارینان همراه آنان برداشت و سوار برالاغش به سمت منزل براه افتاد، ودر همان هنگام که اوغرق تفکردرمورد اسرارعالم وعظمت هستی بود، راهش را گم کرد ونشانه های آن براو مشتبه شد ونگاه خودرا دردهکدهٔ ویران شده یافت که نشان ازقومی هلاک شده وگرفتارآمده در دالم مرگ وازهم دورشده داشت، خانه هاویران وآثار خرابه هاهم محوشده بودند وآنجا پر ازاجساد فرسوده واستخوان های پوسیده بود.

از الاغش پیاده شد وزنبیل هاراکنارخود گذاشت وافسار الاغ رابست وبه دیواری تکیه زد تااندکی بخود آید وتوان وفکرش بازگردد، وسپس آنجارا برای استراحت مناسب یافت. نسیم خنکی میوزید واو عنان عقل وفکرش را رهاکرده بود تادرموردآن مردگان وحشرونشرآنان به تفکربپردازدواینکه چگونه آن اجسادپوسیده بعد ازاینکه خوراک زمین شده، تبدیل ب خاک میشوند وبارانهای زیاد ازآسمان برآن خاکهامی بارد، دوباره زنده میشوند؟ سپس افکارش به وهم وسکوت تبدیل یافت وچشمانش بسته وزانوهایش سست شد وبه خوابی عمیق فرورفت، انگار که اونیزبه مردگان ملحق شده بود.

صدسال پیایی گذشت، کودکان پیرشدند وپیران ازدنیا رفتند، نسلهایی از میان رفتندوبناهایی ویران گشتند و عزیر درهمان مکان مانندجسدی بدون روح افتاده بود، استخوانهایش پوسیده ومفاصلش ازهم مجداشده بود، تااینکه خداوند خواست قضیهٔ راکه مردم درآن سرگردان بودند ودرموردآن اختلاف داشتند، باحقیقتی ملموس که درحس آنها بگنجد وچشمان شان نظاره گران باشد، حل وفصل نماید. پس استخوانهای عُزیر راجمع واعضایش رامرتب نمود واز روح خود درآن بدمید وعزیر آفرینشی کامل یافت ودارای بدنی تنومندشد ودراین هنگام بودکه به پاخاست انگارکه ازخواب بیدارشده است وبه دنبال الاغش میگشت وخوراکی هایش را سراغ میگرفت .

دراین هنگام فرشتهٔ نزداو آمدو ازاو پرسید: ای عزیر! به گمانت چه مدت درخواب بوده ای؟ عزیز بدون هیچ اندیشه وتفکری جواب داد: روزی یا نصف روزی درنگ نموده ام. فرشته گفت: بلکه صدسال دراین حالت میان این اجساد بوده ای وآسمان بارانها بر تو بارانیده است وبادهای زیادبر تو وزیده است وبه رغم گذشت اینهمه سالهای طولانی وحوادث پیایی خوراکت همچنان سالم است ونوشیدنی ات تغییر نکرده است، اما به الاغت بنگرکه چگونه استخوانهایش پراکنده گشته ورگهایش ازهم گسیخته است وخداوند بلندمرتبه به تونشان خواهد دادکه این استخوانهارا چگونه بهم پیوندمیدهد وزنده میگرداند، تاتو به زنده شدن مردگان اطمینان قلبی پیداکنی وایمانت به روز آخرت افزوده گردد، تاتو رانشانه ای برای مردم گرداند تاآنها راازتاریکی شک وتردید برهاند وراههای ایمان را که برآنهامشکل وبسته گشته است، برایشان روشن نماید .

و عزیر چون بنگریست، الاغش راهبان وضع ونشانه های سابق یافت که برپاهایش ایستاده وشریان زندگی درگوشت وبدنش جریان یافته بود، دراین هنگام عزیز گفت:(می دانم که خداوند برهرچیز تواناست) بقره۲۵۹

الاغش راگرفت وبه سمت خانه اش براه افتاد، راهها، نشانه هاومنازل رادید که تغییرکرده بودند واو گذشته اش راهمانند رویایی بسیاردرور پیاده میآورد، تا اینکه به منزلش رسید ودرآن پیرزنی رابیافت که فرسوده شده وقامتش خمیده شده بود، امابرغم گذشت روزهاوسالها همچنان سرپابود، اگرچه بینایش را ازدست داده بود...

عزیر ازاو پرسید: آیااین منزل عزیراست؟ پیرزن گفت بلی، این منزل عزیر است واشک ازدیدگانش جاری گشت وگفت: عزیر رفت ومردم اورا فراموش کردند ومدت زمانی طولانی است که تاکنون من ازکسی نامی از عزیر شنیده ام. عزیر گفت: من عزیرهستم وخداوند صدسال مرابه عالم مردگان برد واکنون دوباره مرا زنده نموده وبه زندگی بازگردانیده است. پیر زن آشفته گذشت وابتدا ازپذیرش ادعای اوسرباز زد، سپس گفت: عزیر مردی نیکو کاربود ودعایش همواره قبول میشد وهرچیزی راکه ازخداوند طلب مینمود به اوعطا میکرد وهریِماری راکه دعامیکرد شفامی یافت. پس توهم ازخداوند بخواه که جسم مرا سالم سازد وبیناییم را برگرداند. (دنباله در صفحهٔ یازدهم)



عنوان کتاب: شناسایی با اخلاق طبابت
تتبع ونگارش از: داکترغلام محمد دستگیر

«ای خداوند بزرگ، واحد و لایزال، آفرینندهٔ زمین وآسمان و همه مخلوق جهان، با شکران از لطف و کرمت به این بندهٔ عاجز که قدرت و توانایی این را عطا فرمودی تاعلم مقدس طبابت را آموخته برای بهبود واعادهٔ صحت انسان، که یکی ازگرانیهاترین تحفه های توست خدمت نمایم. امیدوارم مرا لایق و شایستهٔ آن گردانی تابا در نظر داشت اصول و قوانین اسلامی، طبی و استفاده از تمام اوصاف خجستهٔ انسانی بتوانم ازعهدهٔ این وظیفهٔ مهم برآیم.
»

وقتی این گفتار ونبایش پرصفای هم مسلک گرامی ام که مدتی افتخار تدریس اوراداشتم، و مطابق به تخلص مردمی خود همیشه ودرهمه اموردستگیر بوده است، خواندم، یادم ازسوگندپدرطبابت (هیپوکرات) آمد که وقتی من مدیرنشرات وبعد رئیس فاکولتۀ طب کابل بودم، متن آن سوگند باترجمه از فرانسوی دریک تابلو باخط درشت درقفسهٔ اخبارفاکولتۀ طب نصب کردم که مفهوم گفتارداکترغلام محمد دستگیرا البته باکلمات دیگربیان میکند. یقیناً شماخوانندهٔ فرزانهٔ جریدهٔ امید بامقالات تحلیلی، انتقادی وعلمی داکتر دستگیر درصفحات واکثراً درسرمقالهٔ امیدآشناهستید. این طیب دردآشنای جامعهٔ افغانی درداخل وخارج کشور رویدادهای روزوگزارشهای ملی وبین المللی رادرقبال وقایع پرتلاطم افغانستان باچیره دستی خاص وشجاعت قلمی بیان کرده است، راجع به اخلاق طبابت که موضوع این بحث است، داکتر دستگیر درصفحهٔ ۳۰کنابش چنین مینویسد :

«طب وقانون وارزشهای اجتماعی بحث های راکد ویی معنی نیستند. آزمایش متکرر موضوعات اخلاق طبابت وتطبیق آن درحالات جدید یک امر ضروری شمرده میشود. چاپ ششم «آیین نامهٔ اخلاق «امریکن کالج آف مدیس یا ACPموضوعات نوپیدا دراخلاق طبابت رادر برداشته وآنچه درقدیم مورداستفاده بود، وتاهنوزدررابطه به اخلاق طبابت دخیل است، تکراراً مطالعه، تدوین ونگاه داشته است. مشکلات متعدد اخلاق را درطب منعکس ساخته سعی میورزدتاجگونه پرنسبب های موجوده رابرنظارت موضوعات نوپیدا وسعت داده روشنی اندازد. علاوتا باتکراروتایید پرنسبهای اخلاقی که درحل مشکلات اخلاق درسابق کمک نموده است، آیین نامهٔ کالج مینگاردکه: اینها سبب جلوگیری ازپرابلمهای آینده شده میتواند. این آیین نامه برای تعویض تجارب وامانت داری یک طیب منفرد نبوده ولی بحیث یاآورد ازوظایف مشترک طیب ومسلک طبابت خدمت کرده میتواند.

پس بیایید که بدانیم طب چیست وطیب چه کسی است .

طب مسلکی است که سروکارآن مجادله به امراض انسانها و برگشت صحت شان بوده جسم سالم راحمایت ومحافظت میکند. ولی ابن سینای بلخی جهانی به تعریف یک جمله یی قناعت نداشته آنرابه تفصیل بیان میدارد: «گویم : طب دانشی است که بوسیلهٔ آن میتوان برکیفیات آدمی آگاهی یافت. هدف آن حفظ تندرستی درموقع سلامت و اعادهٔ آن به هنگام بیماری است. شاید کسانی باشند که گوینددارای دوجنبۀ نظری وعملی است ومن باتلاق کلمۀ (دانش) برآن، طب راقط بامفهوم (نظری) معرفی کرده ام... زیرا که طب نظری وطب عملی هردوعلم است، یکی ازآن اصول طب است وآندگر علم براصول بکارگرفتن آن، یعنی (طب) علمی است که برای دوجنبۀ آن درلفظ بکار رفته است.»

ابن سینامیگوید: «مقصودمن ازطب نظری اینست که ازراه فراگیری به اصول آن پی ببریم بدون اینکه اسلوب وروش کاربرد (استعمال) آنرابیان کنیم. مثلا میگوییم: تب برسه نوع است ومزاج برئهٔ قسم، واین اصول است. منظورمن ازبکاربردن لفظ (عملی) درعلم طب پی بردن به اسلوب کاربرد (استعمال) این علم است، بصورت مثال میگویم:

برای علاج ورم های گرم (ابسی) نخست مادهٔ بازدارنده (بازدانه ازپیشرفت بیماری)، خنک کننده و بروزدهنده (پختگی ابسی) رابکار برد. وبعد به داروی بازدارنده، داروهای نرم کننده اضافه کرد.

پس ازآنکه ورم بکلی فرونشست(بعداز شق) باید داروهای محلول (محلولهای شستشو) استعمال کرد، مگر در ورم های که برائرمواد دفعی وترشخی اندام های اصلی(زنده – فیستول) ایجادشده باشد. این تعلیم به شمامی آموزد که چگونه بایدعمل کرد. پس اگراین دوقسمت را یادگرفتی، صاحب دوعلم نظری وعملی هستی. حتی اگردراین زمینه هرگز کاری نکرده باشی... ما فقط دوحالت برای بدن میدانیم که یکی تندرستی ودیگری از دست دادن تندرستی (سلامت) است. سلامت(صحت) سرشت ویاحالتی است که در آن اعمال بدن بدرستی سرمیزند (وظیفه اجرامیکند) ونقطهٔ مقابل آن فقط دور شدن ازسلامت است و بس ...»

این راباید بدانیم که اگرداکترمعالج بااساس مسئولیت انسانی ومسلکی موازین اخلاق طب رامراعات کند، دوثمرۀ عمده به بارمی آورد: یکی اینکه وجدانش که مریض خودرا بااستفادهٔ راستین ازدانش وتجربۀ خودتحت تداوی قرارمیدهد، از اجرااتش راضی وخوشنودمیباشد، دوم اینکه مریضی که متیقن میشود داکترمعالجش بدون درنظرداشتن مفاد مادی، مرض اوراتداوی میکند، معتقد ومطمئن میشود که تداوی داکترموثر واقع میشود وزودترشفایاب خواهد شد.

اینک قسمت دیگرنوشتهٔ تحلیلی داکتردستگیر مولف عزیزکتاب رابه شما تذکرمی دهم: «دربارهٔ اینکه اخلاق چیست؟ ستاف «مارکولا سنتربرای اخلاق عملی «ازدانشگاه سانتا کلییر، دانشگاه جیسوی درسلیکان فالی کالیفورنیانوشته اند: چندسال قبل سوسیولوجست بُهارت ازیک گروه تجارت پیشه پرسید: اخلاق نزدشماچه معنی دارد؟ ازجملهٔ جوابهای شان، گفته های ذیل نقل شده است: «اخلاق چیزیست که مرامیگوید احساس من صحیح است یا غلط – اخلاق چیزیست که بااعتقاد دینی من گره خورده است – اخلاقی بودن آنست که آنچه قانون میخواهد فرد اجراکند – اخلاق شام ستاندردهای سلوکی است که جامعهٔ ما میپذیرد– من نمیدانم این کلمه چه معنی دارد.»

امکان دارداین جوابها مطابق جواب خودماباشد، مشکل است که به معنی اخلاق متیقن بود وهم نظریات متفاوت دربارهٔ اخلاق وتعریف آن وجود دارد که قسماً دربالاسوسیولوجست آنراازطریق پرسشهاتذکرداد که کمی فراتر ذیلا ارائه میگردد :

جواب اولی که بُهارت گرفت نشان میدهد که: اکثر مردم اخلاق رامعادل احساس فکرمینبایند، اماواضحاً اخلاقی بودن یک موضوع پیروی ازاحساس نیست. یک فرد مرد یا زن، که ازاحساس خود پیروی میکند، امکان داردعمل راصحیح منعکس سازد(نه غلط). درحقیقت احساس اکثراً از اخلاق منحرف میشود. نباید فرد اخلاق را با دین یکسان بشمرد، واضح است که اکثر ادیان بیانگر اخلاق عالی اند. اگر اخلاق محدود به دین بماند پس اخلاق تنهابه افراد دینی قابل تطبیق خواهد بود. قسمی که اخلاق برای فرد بسیارمتدین اهمیت دارد همانقدر برای کسانیکه به دین ومذهب اعتقادندارند هم مهم شمرده میشود. دین زمینهٔ بلندترین ستاندارد اخلاق رامهایا ساخته انگیزۀ شدید برای روش اخلاق میسر میسازد. باآنهم، اخلاق نه محدودبه دین مانده میتواند ونه مانند دین است.

همچنین اخلاقی بودن مانندپیروی کردن ازقانون نیست، قانون اکثراً دارای ستانداردهای اخلاقیست که همشهریان بایدازآن پیروی نمایند. ولی اخلاق مانند احساس میتواند ازآنچه اخلاقیست طفره رود. قانون غلامی یا سلیوری قبل ازجنگ داخلی درامریکا وقانون فرسودهٔ امروزی اپارتاید(نفاق وجدایی بین سیاهپوستان وسفیدپوستان) درافریقای جنوبی مثالهای واضح غیرمتناسب بودن قانون وانحراف آن از اخلاق است. مادهٔ چهارم قانون اساسی افغانستان تذکراتی دارد که انظرمدنی، اخلاقی ودینی برای همهٔ افغانستانی هاموردقبول نیست، انظرمدنی بعضش شروع اقوام از (الف) با (پ) شروع شده است، از نظر اخلاقی (ملیت افغانستان) یعنی افغانستانی(ملیت افغان) شهرت پیدا کرده، از نظردینی برمردم (جبر روانیست) اما جبراً همه اقوام را(افغان) که نام برادران پشتون مانند، نام داده اند.

بالاخره اخلاقی بودن مطابق (هرچه جامعه میپذیرد) نمی باشد. درهرجامعه اکثر مردم ستانداردهای که دارند اخلاقی میدانند، ولی ستاندرد روش دریک جامعه، آنچه اخلاق شمرده میشود منحرف شده میتواند. تمام یک جامعه اخلاقاً فاسد شده میتوانند مثلاً نازیهای جرمنی یک جامعهٔ بود که ازنگاه اخلاق فاسد بودند.»

اعلامیۀ عمان : دفترمنطقوی سازمان صحی جهان درائر پیشنهادسازمان طبی اسلامی وانجمن تحقیقات شاهی تمدن اسلامی مملکت اردنیۀ هاشمیه کنفرانسی را بتاریخ ۲۳ تا ۲۶جون سال۱۹۷۹ که مطابق ۱۲ تا ۱۹ ماه ذوالقعدة سال ۱۴۰۹ بود دایرنمود ودراخیر نتیجه گیری کنفرانس راکه بنام «اعلامیۀ عمان «شهرت دارد پخش نمود.

این اعلامیه برای بهبودصحت باپیروی از روشهای زندگی اسلامی واررتقای سطح زندگی بصورت عموم طرح گردیده است، مخصوصا وثیقهٔ ضمیمهٔ این اعلامیه ارزش یحدداشته توجه جدی باید عطف گردد :

۱– صحت یکی ازنعمت های الهی است که بسیاری مردم قدرآنرانی فهمند، طوریکه احادیث شریف به آن ناطق است(به وثیقه تشریح شده است)
۲– صحت یکی ازعناصرزندگی است تاعناصراساسی دیگرموجود نباشد تکمیل نمی شودمانند آزادی، امنیت، عدالت، تعلیم، کار، کفایت نان، آب، کالا، خانه، ازدواج وصحت محیطی،
۳– انسان میتواندصحت خودراحفظ کند به این طورکه درحالت اعتدال میزان صحی رامحافظت نماید وطوریکه قرآن کریم امرنموده، نه ازین میزان تجاوز کندونه کسی کند.
۴– هرانسان مسئولیت صحی داردکه لازمست صحت خودراطور کامل نگهدارد وطوریکه در حدیث شریف واردشده، ازصحت خود برای بهبودیافتن ازمرض استفاده کند.
۵– طریقهٔ که انسان درزندگیش پیروی میکند برصحت وی نقش اساسی دارد.
۶– روش زندگی اسلامی مشتمل براسلوب وروشهای مثبت است که همه تقویت وبهبودی برای صحت میباشد، وروش منفی راکه منافی صحت میباشد نمی پذیرد.

۷– طوریکه قرآن اسلام راتعریف میکند عبارت ازفطرت است که مردم رابر آن آفریده، پس مراعات کردن روشهای زندگی اسلامی درحقیقت تحقق طبیعت اصیل انسانی است وهماهنگی باسنت الله درجسم، روح فرد، فامیل، اجتماع انسانی ومحیط زیست میباشد.
۸– وثیقهٔ که ضمیمهٔ اعلامیه است مشتمل برموضوعات وقائمه (پرهیزنده، دهخدا، دستگیر) است که روش زندگی اسلامی راازآیات قرآنی وسنت نبوی استخراج نموده ودربهبودصحت ورشد انسان بصورت عام نقش اساسی دارد وجزء غیرقابل انفکاک این اعلامیه است.
۹– این کنفرانس ازهمه سازمانهای بین المللی، حکومتا، سازمانهای رضاکاران وغیرحکومتی خواهش دارد که براساس تشویق کردن به روش زندگی اسلامی مثبت، مردم رابرای بهبودی صحت دعوت نمایند، خصوصاً درموارد ذیل:

الف– روش زندگی اسلامی راکه به مردم بهبودی صحت میبخشد بشناساند وازخلال وسایل تبلیغ مناسب هرمنطقه رابه آن دعوت کند.
ب– وسایل و شروط بهبودصحت وروش حیات صحی رابرای مردم آماده کنندوازمواد اعلامیه مخالفت نکنند که این مخالفت منافی صحت شان است وموادی که به صحت شان ضرردارد ازآن منع نمایندو ازترویج سلوک وروش مخالف صحت خودداری کنند.
ج– مردم راتشویق کنند که برخودشان اعتمادنموده و حاصلات محلی شانرا توسعه وتقویت بخشند که این کارمدخل عملی خوبی است برای تطبیق روش زندگی صحی.
د– تکرار رهنمایی های موسسات صحی، تعلیمی، فرهنگی ونشراتی که بهبودصحت وتشویق به روش زندگی صحی باشد خصوصاً آن موضوعاتی که دروثیقهٔ ضمیمهٔ این اعلامیه است.
هـ – تکرار رهنمایی های موسسات تعلیم صحی که متضمن مسئولیت وظیفه داران صحت باشد وفهمانیده شودکه وظیفهٔ صحی یک مسئولیت ورسالت است نه تنهایک کسب و عمل.
و– تعهدبه اینکه هرمساعی وكوشش که بخاطر وضع برنامه ازطرف مقامات مربوط برای تطبیق زندگی اسلامی مبذول شود پشتیبانی وحمایت کنند.»

خوانندهٔ گرامی وعلاقمند صحت وسعدات انسانی، تازمانی که شماتوانید متن کامل این کتاب پرمطلب ورهکشا وپراستفاده رابدست آورید، اینک تنها قسمتی ازعناوین عمدهٔ آنرا برای تان ارائه میدهم :

درجلداول کتاب زیرعنوان «مقلوه ها «دربیان نلسن ماندلا که چندی قبل نامه های زندان اورا ازمتن فرانسوی ترجمه کردم چنین میخوانیم: «زیبایی چهرهٔ یک فرد دراخلاق خوب تکمیل میشود، اماکمبود یانبوداخلاق راهیچ

چهرهٔ زیبایی نمی تواند مکمل سازد! «وعناوین مهم دیگر: وظایف عمومی یک طیب، پرنسبهای اساسی اخلاق طبابت، تدریس اخلاق طبابت، سوگند های مسلکی اطبا، قانون (هیپوکرات)، اولین تعهدنامهٔ محصلین طب افغانستان، اخلاق کلنیکی، اخلاق طبابت عسکری، ریسرچ درطب، کمیتهٔ اخلاق و اهداف آن، مساعی کمپنی دواسازی وپرکس سریری خوب، خطوط رهنمای اخلاقی دوبارهٔ هم مسلکان، خطوط رهنمایی اخلاقی دربارهٔ خلاف رفتاری ریسرچ، احترام برای شخص، نگهداری اسرار ومحرمیت، اخلاق طبابت در اسلام، محافظت حیات انسانی، جلوگیری ازحاملگی وعقیم ساختن، سقط، لست بعضی اصطلاحات انگلیسی در ریسرچ سریری وبالاخره مصاحبهٔ وزیر صحت عامه درپروگرام جدید تههد...

حال، دراخیراین معرفی مختصریک کتاب علمی و تحقیقاتی وتحلیلی طب و اخلاق طبابت، سوانح گرانمایه، الهام بخش وروشنگرهم مسلک فرزانه و (دنباله درصفحهٔ دهم)

نصیراحمد رازی

واژه های همسو با تصوف
هَمّت ^ز *عبدالرزاق* کاشانی بااستناد به آیهٔ(ما زاغ البصر و ماطفی) واشاره به این معنی که همت خلایق همه بایدبسوی خداباشد، آنرابرسه درجه تقسیم کرده است: الف) عدم بخل و کوتاهی نسبت به توجه به حق و توکل به او، و شوق به حضرت حق، ب) اینکه بنده ناتوانی خودرا واینکه وجوداستقلالی ندارد دریابد وبه مقامی برسد که بداند توجه به اسباب وواسطهٔ فیض، خود از مہلکات است وبه علم وعمل خودمغرور نشود. ج) آنکه همت بنده حتی متوجه واردات وتجلیات نوری که ازجملهٔ مواهب حق اند، مانندشوق، وجد، برق و ذوق نباشد وبه مقاماتی چون توکل و رضا وتفویض وامثال آن اهتمام ننماید وفقط متوجهٔ وصال حق باشد.

همهٔ الافاقه: نخستین درجهٔ همت که سبب طلب باقی و ترک فانی است،

همهٔ الالفه: درجهٔ دوم همت که سبب ایجاد الفت وتوجه به وعده های خداوند درپاداش اعمال شود وبدان مشغول گردد.

همت ارباب همم عالیه: درجهٔ سوم همت که توجه صرف به حق است.(فرهنگ اصطلاحات عرفانی)

ارادَت: ارادت ابتدای راه سالکان باشدوآن نامیست نخستین منزل قاصدان را به خدای سبحانه وتعالی و این صفت را ارادت نام کرده اند، زیراکه ارادت مقدمهٔ همهٔ کارهاباشد وهرچه ارادت بنده برآن مقدم نباشد، نتوان کرد. چون این اول کاربود آنراکه طریق خدای عز وجل ورزد، ارادت نام کردندمانند قصد اندرکارهاکه مقدمهٔ آن بود ومرید برموجب اشتقاق آنست که اورا ارادت بود. (رسالهٔ قشیریه)

اراده: اختیارمسیوق به تصور وتصدیق ومیل وشوق وعزم مؤکد. اراده به نزدعارفان واهل ذوق عبارت ازصفت قدیم است که زایدبرذات وقایم بدان است وشأن آن تخصیص ممکنات است به بعضی ازآنچه وقوع آن جایز است. (فرهنگ اصطلاحات عرفانی)

ادب ^ز *نگاهداشتن ورعایت شرایط هرجیز ودراصطلاح*
ملکه ایست در شخص که او را ازکارهای زشت بازدارد. «آدبه» یعنی اورا مذهب وپاک و اخلاق اورا مرضی کرد وبه معنای آموختن علم ادب وعقوبت شخصی که بدی کرده است، نیزهست. جمع آن آداب است وآداب برعلوم ومعارف بطور کلی وبرعلوم مستطرفه بطورخاص اطلاق میگردد. ادیب کامل آن بودکه ظاهر وباطن اوبه محاسن اخلاق واقوال ونیات آراسته بود. اخلاقش مطابق اقوال باشد ونیاتش موافق اعمال. چنانکه نماید باشد وچنانکه باشد نماید.

شیخ الاسلام گوید: ادب تهذیب ظاهروباطن است. این کلمه دراصطلاح عارفان مأخوذ ازآیهٔ شریفهٔ «والحافظون لحدودالله»(توبه ۱۱۲) است. حدود عبارت ازاوامر ونواهی الهی است که واجب یا مستحب یا محظور یا مکروه است .

ادب همواره ملازم بامندوبات، وبعد ازمکروهات است. رعایت کردن حدود هرکسی عبارت ازادب است، نسبت بدان کس، ومأخوذ ازروایت نبوی است که فرمودند: «ادبنی ربی فاحسن تأدیی»(پروردگارم مرا ادب کرد وچه نیکو ادب کرد). حسن ادب صفات احباب است .

لفظ ادب عبارت است ازتحمین اخلاق وتهذیب اقوال وافعال، وافعال بردو قسم اند: افعال قبول وآن رانیات خوانند، وافعال قوالب وآنرا اعمال خوانند. اخلاق ونیات نسبت به باطن دارند واقوال واعمال نسبت به ظاهر. پس ادیب کامل آن بودکه ظاهر وباطنش به محاسن اخلاق واقوال ونیات و اعمال نسبت آراسته بود. اخلاقش مطابق اقوال باشد ونیاتش موافق اعمال، چنانک نماید باشد و چنانک باشد نماید.

از ابن عطا(یکی ازمشایخ بزرگ صوفیه وازنزدیکان جنید وازموافقان و یاران حلاج، که بهمان سبب پس ازشکنجه بدست حامدبن عباس وزیرمقتدر عباسی درسال ۳۰۹هـ کشته شد). پرسیدند که ادب چیست؟ گفت: الوقوف مع المستحسنات. گفتنداین سخن چه معنی دارد؟ گفت معناه ان تعامل الله سرأ وعلناً بالادب فاذا کنت کذالک ادبياً وان کنت اجمعياً .

در کشف المحجوب است که آداب برسه گونه اند: یکی اندر توحید باحق عزّ وجل وآن چنان بودکه اندرخلاء وملاء خودرا ازبی حرمتی نگاهداری ودر خلاء معاملت چنان کنی که اندرمشاهده نیایی.

بعضی گویندحضرت موسی درمقام سخن باحق چون درحال سَکر و وجد بود حدود ادب راآنطورکه مقتضای مخاطب باحق بود رعایت نکرده، سر رشتهٔ تمیز راازدست داد وحدودعبودیت تجاوز نمودوگفت:«ارنی انظرالیک»(اعراف ۱۴۳). خطاب عزت دست رد برروی طلب وی زدوفرمود: «لن ترانی یاموسی»(اعراف۱۴۳)وچنین تقاضایی ازعبد درمقام عبودیت شایسته نمی بود. (فرهنگ اصطلاحات عرفانی)/ ادامه دارد.

حبیب الله شیرازی قآنی

دریا نوش

خیزید و یک دو ساغر صهبا بیاورید

ساغر کمست یک دو سه مینا بیاورید

مینا به کار ناید کشتی کنید پر

کشتی کفاف ندهد دریا بیاورید

خوبان شهر را همه یک‌جا کنید جمع

جایی که من نشسته‌ام آنجا بیاورید

ما را اگر به جام سفالین دهید می

خاکش ز کاسه سر دارا بیاورید

از ملک ری به ساحت یغما سپه کشید

هرجا پری رخیست به یغما بیاورید

وز روم هر کجا بچه ترسای مهوشست

ور خود بود کشیش کلیسا بیاورید

در بزم عیشم از لب و دندان مهوشان

یک آسمان سهیل و ثریا بیاورید

تا من به یاد چشم نکویان خورم شراب

یک جویبار نرگس شهلا بیاورید

تا من به بوی زلف بنان تر کنم دماغ

یک مرغزار سنبل بويا بیاورید

گیرید گوش زهره و او را کشان کشان

از آسمان به ساحت غیرا بیاورید

تایید زلف حوری و او را دوان دوان

سوی من از بهشت به دنیا بیاورید

تا من کنم ثنای خداوند خود رقم

کلک و مداد و کاغذ و انشا بیاورید

اول به جای صفحه ز بال فرشتگان

پری سه چار دلکش و زیبا بیاورید

ور از دو ساق غلمان ناید قلم به دست

از ساعدین آن بت ترسا بیاورید

پس جای دو ده مردمک دیدگان حور

سایید و هرسه چیز به یکجا بیاورید

قآنی ^ز *میرزا حبیب الله شیرازی* متخلص به قآنی فرزند محمدعلی گلشن از شعرای نامدار عهد قاجار است. وی در سال ۱۲۲۳ هجری قمری در شیراز متولد شد، تحصیلات مقدماتی را در همان شیراز گذراند. او در اوان جوانی عازم مشهد شد تا در آنجا به ادامه تحصیل بپردازد. در سفر به تهران شعری در مدح فتحعلی شاه سرود و از وی لقب مجتهد الشعرا گرفت. قآنی در ادبیات عرب و فارسی مهارت کافی یافت و به حکمت نیز علاقه سرشاری داشت. او با زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز تا حد زیادی آشنایی داشت. همچنین در ریاضیات، کلام و منطق نیز استادی مسلم به شمار می‌رفت. دیوان اشعار وی بالغ بر بیست هزار بیت است. او کتابی به نام پریشان به سبک گلستان در نشر نگاشت. قآنی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در تهران وفات یافت و درحرم حضرت عبدالعظیم مدفون شد. /

مخمس سید مستان شاه کابلی بر غزل که به شمس تبریزی(رح) منسوب است

گه عرش وگهی کرسی، گه نفی وگه اثباتم
گه مسجد وگه دیرم، گه کعبه و میقاتم
خلص شنو ای عارف، از رمز مقالاتم
«بی جان شده‌ام صد ره، تا جان خراباتم

چون جان خـــراباتم، جانان خراباتم»

چون گشت تعین‌ها، پرده به رخ حضرت
جستم ز همه آگـــوان، اندر تنق عزّت
بر بسته تمامی رخت، از مدرسهٔ کثرت
«این خرقهٔ هستی را در میکدهٔ وحدت
صد بار گرو کردم، عریان خـــراباتم»

از قـــربت اُحدیّت، در ملک اضافاتم
منزل چو هزار و یک چل گشته مقامتم
زاهد! به خدا رو رو، ضایع مکن اوقاتم
«من آینهٔ ذاتم، خـــورشید سماواتم
من پیر کراماتم، من کان خـــراباتم»
شدطور تجلی گرم دل گشت زهستی پاک
ازآتش قرب خود بگداخت همه خاشاک
نی پیک امین اینجا، نی رفرف چالاک
«بی واسطهٔ املاک، در لوح دل لولای
نازل شده‌ام امشب، قـــران خراباتم»
در زهد ریایی نیست عشاق ورا مطلب
خورشیدصفت قلبم افتاده به تاب و تب
معشوق ومی وساقی اینست مرا مشرب
«درخانقهم صوفی رو رومطلب کامشب
با یار خـــراباتی مهمان خراباتم»

اندر ره عشق حق، نی ملت و نی آئین
چون کفر حقیقی شدپا تاسرمن مشکین
گنجیده چوآوارش اندر دل این مسکین
«ای ساقی جان برخیزای شمع خردبنشین
وای مطرب دل بر گو، سلطان خراباتم»

آیات الهی درج، در پردهٔ تضییمن
خورشید سماواتی، «مستان‌شه «حق‌بینم
پرسید چه ای یاران، از ملت و آئینم
«شمس‌الحق والدینم با عزّت وتمکینم
خود را همه او بینم، عریان خراباتم»

این مخمس را استاد بزرگ موسیقی کشور استاد سرآهنگ فقید بار ها در مجالس و کانسرت ها و رادیو افغانستان خوانده اند خداوند همه این بزرگانرا بیامرزد و جایشان بهشت و یاد شان گرامی باد.
در زمینه نظریات دوستانرا قدر می کنیم با احترام (همایون عالمی)

غنی دری آتش زدن به حساسیتهای قومیت

محمدداشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی در سخنرانی‌اش در محفل گرامی داشت از نوروز در بلخ، از شاه امان الله خان، پادشاه وقت افغانستان بعنوان «قهرمان ملی افغانستان» یاد کرد.این در حالی است که مردم افغانستان، شاه امان الله خان را «غازی» لقب داده اند و «قهرمان ملی» در قانون اساسی افغانستان از سوی مردم به شهید احمد شاه مسعود داده شده است.

اکنون شماری ازشهروندان، نویسنندگان وفرهنگیان کشوردراعتراض به قهرمان ملی خواندن شاه امان الله خان ازسوی غنی میگویند لقب شاه امان الله خان مشخص است وغنی با قهرمان ملی خواندن او، در پی نفاق‌افگنی وآتش زدن به حساسیتهای قومی است.مردم و فرهنگیان به این باورند که پیامهای غنی احمدزی ازتربیونهای فرهنگی وملی بیشتر واگرایانه است تا وحدت‌گرایانه و هم‌دیگر پذیرانه.

در این میان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود در واکنش به قهرمان ملی خواندن غازی امان الله خان، اعلامیه بخش کرده واطهارات احمدزی را «نفاق‌افگانه»خوانده است. در اعلامیه آمده که محمدداشرف غنی درآستانهٔ انتخابات ریاست‌جمهوراز نام «شخصیتهاوزرگان سیاسی «کشور استفادهٔ سوء می‌کند. در اعلامیه آمده است: «چنانچه می‌دانید در شرایطی که کشور مورد تهدیدات روز افزون بالفعل و بالقوهٔ داخلی و خارجی قرار گرفته وسخت نیازمند وحدت و هم‌گرایی ملی می‌باشد، اشرف غنی درآخرین فصل عمر حکومتش با کثیف‌ترین حربهٔ تفرقه و سوءاستفادهٔ سیاسی از نام بزرگان افغانستان، تلاش دارد یکی را در مقابل دیگری در اذهان مردم قرار دهد، حساسیت‌ها را برانگیزد، اختلاف‌ها را دامن زند، آتش رویارویی اقوام باهم برادر را مشتعل سازد تا به قدرت نامشروع و نامیمون خود ادامه دهد.» مسوولان در بنیاد شهید مسعود در اعلامیه گفته اند که «غازی امان الله خان «و» شهید احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان «هر کدام در برهه‌های «حساس تاریخ نقش افتخارآفرین و رسالت تاریخی «خویش را برای «آزادی و استقلال «افغانستان انجام داده اند. در این اعلامیه، از آقای غنی به عنوان «غاصب قدرت «یاد شده و آمده است که آقای غنی در نزدیک به پنج‌سال گذشته «به جز تقلب‌کاری، جعل، قانون‌شکنی، تفرقه‌اندازی، تفوق‌طلبی و تعصب‌پروری «، کارکرد مهم دیگری نداشته و افغانستان را «باوجود امکانات و حمایت‌های خارجی، به لبهٔ نابودی و به سمت فروپاشی «کشانیده است.

مسوولان بنیاد شهید مسعود در اعلامیهٔ شان از جریان‌های سیاسی، احزاب و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور خواسته است تا در برابر «پالیسی‌های نفاق‌افگانهٔ آقای غنی موضع روشن، ثابت و اصولی «بگیرند. در اعلامیه همچنان از جوانان خواسته شده تا «حساسیتها»را متوجه باشند و اظهارات آقای غنی را باجنجال‌های قومی و زبانی عجین نسازند.

قهرمان ملی کیست؟ شماری از تاریخ‌نگاران فرهنگیان کشور میگویندلقب قهرمان ملی از آن جهت به شهید احمدشاه مسعود تعلق گرفته است که با اندک‌ترین امکانات و در سخت‌ترین شرایط، در برابر متجاوزان ایستادو به هیچ دلیل و بهانهٔ از افغانستان بیرون نشد.

محمد اکرام اندیشمند، از تاریخ‌نگاران کشور در صفحهٔ رسمی فیسبوکش تحت عنوان «قهرمان ملی کیست؟نوشته است: قهرمان ملی کسی است و کسی بود که در وطنش و برای دفاع از وطنش، مردمش، استقلال و حاکمیتش با هر تجاوزگر خارجی، با مزدوران و دست‌نشانده‌گان خارجی، مبارزه ومقاومت کرد، جنگید و خونش را درسرمزمن و وطنش ریختاند و جانش را قربانی ساخت. اندیشمند در ادامهٔ یادداشتش ظاهراً محمدداشرف غنی را نشانه گرفته و نگاشته است: قهرمان ملی احمدشاه مسعود است که ارتش سرخ را به زانو در آورد و در برابر تجاوز پاکستان و تروریسم طالبانی و القاعده، ده سال به تنهایی ایستاد؛ در حالی که تو و کرزى هژده سال با ۴۶ کشور دنیا به رهبری امریکا و قوای ناتو با آنهایی می‌جنگی که مسعود به تنهایی جنگید.

همزمان بااین، عبدالرووف انعامی، عضو مجلس نماینده‌گان در صفحهٔ فیسبوکش نوشته است که شهید مسعود استوانهٔ دلیری، مردانگی و از خود‌گذشتگی است. آقای انعامی افزوده است: «او فراتر از آن است که ما نامش نهاده‌ایم «قهرمان ملی .»این واژه تاحال تنها در خور شأن او است؛ نیازی به تایید دست‌نشانده‌ها ندارد.»

در عین حال، نور رحمان اخلاقی، عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان گفته است: قهرمان ملی و شخصیت الگو در مبارزه علیه تجاوز و استبداد برای همهٔ افغانستان، شهید احمدشاه مسعود است و نباید کسانی که در جایگاه قدرت قرار گرفته اند، با القاب و عناوین رسمی و ملی برخورد غیرمسوولانه کنند. حامد حق‌پرست، یکی از کاربران فیسبوک نگاشته(صفحهٔ ۷)

نظری بر انتشارات تازه... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)
پر کار وصدافت کردار،جناب داکترغلام محمد دستگیر عزیز را ازمتن آخرین پستی کتابش، به آرزوی صحت وسعادت وفرآورده های مثمردیگرش به شما تقدیم می دارم :

داکترغلام محمد دستگیر شام روزچهارشنبه پنجم ثور۱۳۱۸ شمسی مطابق ششم ربیع الاول۱۳۵۸ قمری که مطابقت داربه ۲۶/۲۷ اپریل ۱۹۳۹میلادی در خانهٔ نمبر۳۲گذر سه دوکان عاشقان وعارفان (ع) تولد یافته، پدرش که شغل تجارت داشته به صوفی غلام دستگیر شهرت داشت.

بعداز فراغت ازلیسهٔ حبیبیه به درجهٔ اعلی درسال۱۹۵۷ م به پی سی بی دانشکدهٔ ساینس شامل ودرسال۱۹۵۸ ازآنجاهم به درجهٔ اعلی فارغ وبه دانشکدهٔ طب به تحصیلات خود دوام داد. درسال ۱۹۶۳ ازدانشکدهٔ طب فارغ وبه دورهٔ ستاژ یا انترنشپ داخل ودرسال ۱۹۶۴ مفتخربه سند(ام دی) گردید.

در تعلیمات خانگی تفسیرقرآن پاک وعلوم دینی رااز استادان محل چون دورهٔ ترجمهٔ قرآنکریم میرزااشیراحمدخان مفسرشهیر به قیادت مرحوم مغفور ملاغلام حیدر درمسجد بابای خودی (ع) ومشکواه شریف وفقه رادرمسجد ازبک ها درکوچهٔ مشهوربه ازبکها ازمولوی محمدطاهر آموخته است. مرحوم محمدیونس حیران ژورنالیست شهیر وباجرئت افغانستان که مضمون یا ایها الوزرا رادرانیس نوشت، هم درعین زمان شاگردعلم حدیث آن مرحوم ومغفور بود. محترم حیران بعداً رسالهٔ سه صدحدیث نبوی (ص) رایبه زبانهای دری فارسی وپشتو تهیه نموده که اثرگرانهایش موفق به دریافت جایزهٔ مطبوعاتی گردید.

درسال۱۹۶۵ که محصل کورس احتیاط بود، امتحان کانکورطب رابرای شمول به عضویت اکادمیک درپوهنزی طب پوهنتون ننگرهار وهم امتحان لسان پشتو راازطرف دواستاد ممتحن ازدیارتمنت پشتوی دانشکدهٔ ادبیات موفقانه گذشтанه در کدر جراحی پذیرفته شد. بعداز نشر کتاب «د صدری ناروغیو مختصره جراحی»، مضامین متعدد طبی درآریانا دایره المعارف و «تداوی توبرکلوز فقرات یامداخلات قدامی «ازطرف پروفیسر رایس شف جراحی وقت تقدیرگردد ودرجریان قدم علمی به پوهنمل بودکه برای تحصیلات عالی دررشتهٔ جراحی درماه می۱۹۶۸ به انگلستان سكالرشپ گرفت وبعدزاخذدپلومهایی از رایل کالج آف فیزیشن لندن LRCP، رایل کالج آف سرجنز در انگلند MRCS ودپلوم تخصص درجراحی عمومی(بطنی صدری) از رایل کالج آف سرجنزهذنبره FRCSگذشتاندن امتحان ECFMGدرماه اکتوبر ۱۹۷۸ بوطن مراجعت نمود.

بعد از خدمت در دیپارتمنت جراحی دانشکدهٔ کابل و تدریس اساسات جراحی، خدمتی در دیپارتمنت جراحی شفاخانهٔ چهار صدبستر اکادمی علوم طبی وچند نشریه که درپشتنی طبی مجله وبعد ژورنال طبیعی علوم به طبع رسید، در نومبر ۱۹۷۹ به مهاجرت پرداخته در امریکا مسکن گزید. و بعد از گذشتاندن امتحان FLEXدر امریکا در سال ۱۹۸۰به اخذلایسنس پرکتس طبابت در نیویارک و مسهچوستس موفق گردید. بعد از اضافه از سی سال خدمت در موسسات مختلف طبی امریکا چون یونیورستی مسهچوستس ویک شعبه از هاروارد در نارتهمتو وشفاخانهٔ ویتیران در سال۲۰۱۲ با تقاضای رضاکارانه و برای پیشبرد آرزوی نویسندگی در بارهٔ حالت زار وطن، از شفاخانهٔ ویتیران موفق به اخذ تقاعدگردید.

درجریان خدمات طبی اش درامریکا، انجمن داکتران افغانی درامریکا یا را بنیاد گذاشت که به روز شنبه بیستم اکتوبر۲۰۱۸ بیست ونهمین جلسهٔ علمی خود را تحت ریاست انتخابی محترم اسپستانت پروفیسر داکتر سیدعلم شنواری در ورجینیا تجلیل نمودند.

درپهلوی فعالیت های علمی طبی در امریکا چون نشریک میتود برای جراحی انگشت که در بلجیم، باستون، لندن وششمین کانگرس بین المللی جراحی دست در پاریس تقدیم گردید، یک پاتینت برای جراحی امعای غلیظه به دست آورده است. نوع سوم خلع – کسر را در زاویهٔ لوبئی عظم قص در مجلهٔ تروما معرفی نمود .

با امید هفته نامهٔ مردم افغانستان به مدیریت محترم محمدقوی کوشان، سایت آریایی که موسس آن محترم عزیزجرئت اند وسایت خراسان زمین که گردانندهٔ آن آقای دیدبان است، همکارقلمی بوده مضامین متعدداجتماعی تاریخی وسیاسی به فارسی دری وانگلیسی نوشته اند که همه بچاپ رسیده اند.

همچنین ده فصل تکست بوک جراحی که درامریکابنام گریستوفر شهرت دارد، به قسم ده جلد با تحریرقلمی اش تهیه وترجمه نموده به چیف جراحی دانشکدهٔ طبی کابل اهدا نموده است./

ناکامی مامور امریکایی اجیر کمپنی های نفتی بنام خلیلزاد تحقق صلح افغانستان منوط به مشارکت همسایگان



امریکا وطالبان،مذاکراتی دوطرفه رایبه امیدپایان ۱۸ سال درگیری در افغانستان به پیش میبرندامابه باوراغلب کارشنا سان وهمچنین رئیس جمهور افغانستان تحقق صلح منوط به مشارکت کشور های منطقه است. به گزارش ایرنا، امریکاتنها با چند کشورهمسو باگروه طالبان گفت وگوهای پنهانی و علنی خود را به پیش می برد و انتظار دارد از این راه در افغانستان صلحی ایجاد کند که به جنگ ۱۸ ساله آنها و هم پیمانانش دراین کشور پایان بخشد ومیگویند مسیرامنیت، توسعه وپیشرفت را هموارمیکند اما بدون درنظر داشتن منافع کشورهای منطقه، جهان و به ویژه همسایه های افغانستان تحقق این آرزوناممکن خواهد بود. زیرا درحال حاضر امریکاییهاوطالبان هردودرقاب بازیهای سیاسی خودراجای داده اند که درچنین شکلی تنهامنافع خودشان را تأمین میکند وکشورهای منطقه و همسایه های افغانستان بویژه مردم و دولت این کشور ازین گفت وگوا بیرون مانده اند.

به همین دلیل برخی صاحب نظران معتقد هستند که اگر تغییر اساسی در روند گفت وگوهای صلح امریکاوطالبان بوجودنیاید وتامین منافع تمام بازیگران از جمله ملت، دولت وکشورهای دیگر مورد بحث قرار نگیرد، این خواب تعبیر شدنی نیست. شاید برجسته ترین سخن را در این مورد محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان بیان کرد که هفته گذشته درجریان سفرش به سویس گفت گفت وگوی مقام‌های امریکاونمایندگان طالبان بدون حضور حکومت افغانستان و کشورهای منطقه بی‌نتیجه خواهد بود.وی اشاره کرد که طالبان با تمام گروههای تروریستی دهشت افکن شناخته شده، بزرگترین سازمان‌های مافیایی و جنایتکار روی زمین و پاکستان رابطه دارند.

اوبا اشاره به مذاکرات خلیلزاد باطالبان گفت بومذاکراتی که در آن کشورهای منطقه دخیل نباشند، نتیجه نخواهدداد و اظهارداشت که داستان صلح افغانستان ابعاد ملی، همسایگی، منطقه‌وی، اسلامی و بین‌المللی دارد واگر به تمام این ابعاد قضیه افغانستان رسیدگی نشود، حل کردن تنهایک بعد قضیه کافی نخواهد بود.

این سخنان غنی از ادامه رویکرد امریکا در مذاکره دو جانبه با طالبان در پشت درهای بسته و بدون حضور، مشارکت و حتی اطلاع دقیق دولت افغانستان از جزئیات و مفاد این مذاکرات، راضی نیست و به همین دلیل، نمی‌خواهد این بازی، بیش از این ادامه پیدا کند.

آنچه تاکنون در رسانه ها منتشرشده درگفت وگوی امریکا وطالبان تلاش صورت گرفته تابخش تندرو طالبان از فرماندهی و استانداری های خودخوانده این گروه کنارگذاشته شده بجای آنهاافرادطرقدارملاعبدالغنی برادر منصوب شوند که خود ایجاد درز در صفوف طالبان خواهد بود.آن عده ازطالبانی که قانع نشده اند به روند صلح پیبوندند ازصفوف خارج ساخته شده و بطور حتمی، آنهاپس ازامضاتوافقنامه صلح مسیرهای دیگری برای برآورده کردن اهداف خود جستجو خواهند کرد که در آنصورت بازهم امنیت و صلح پایدار دست نیافتنی خواهد شد.

شماری از کارشناسان و استادان دانشگاه های افغانستان هم باور دارند که روند کنونی به صلح و امنیت سر تا سری منجر نمی شود وبرای رسیدن به این مهم شیوه های گفت وگو و منافع باید تعریف بزرگترشود.عبدالطیف نظری کارشناس روابط بین الملل استاددانشگاه براین باوراست که روند صلح ازدوطرف امریکا و طالبان بیشتر تاکتیکی است تا راهبردی، هدف اصلی طالبان خروج نظامیان امریکادر بحث بانمایندگان امریکا است و امریکاییها تلاش میکنند مشروعیت طالبان را به چالش بکشند.

وی افزود که هدف دیگر امریکایی ها ایجاد انشقاق و چند دستگی بین نیروهای تندرو و میانه رو طالبان است بنابر همین تاکتیک است که ما شاهد تغییرات در بدنه رهبری طالبان هستیم.وی گفت افزون بر این، با توجه به نگرانی های که کشور های منطقه از این روند دارند که آن ها منافع شان با منافع امریکا در تضاد قراردارد.

نظری بر این باور است که هنوز نقش کشورهای همسایه و منطقه در صلح افغانستان روشن نیست و با توجه به این متغیرها، متغیر دیگر این است که حکومت افغانستان هم که یکی ازطرفهای اصلی است، بعنوان بازیگری نقش مطرح است وبااین وضعیت چشم انداز صلح افغانستان روشن نیست و مذاکرات امریکاوطالبان درنهایت به یک بن بست مواجه خواهدشد.

به گفته وی، این مذاکرات با این شیوه به صلح پایدار در افغانستان منتج نخواهد شد و نمیتواندثبات ونوسازی سیاسی درین کشور را به ارمغان بیاورد. نظری گفت که برای رسیدن به صلح پایدار باید راه اساسی تری جستجو شود و صلح در پرتو منافع ملی مردم افغانستان و در روشنایی و شفافیت کامل شکل بگیرد و هرگونه گفت وگو با اطلاع کامل مردم افغانستان صورت گیرد.

این استاد دانشگاه گفت صلح ازطریق معامله بین دو طرف امریکا و طالبان در افغانستان بوجود نخواهد آمد و در واقع منافع مردم افغانستان، مطالبات و خواسته های دیرینه افغان ها در روند صلح باید تأمین شود تا شاهد صلح پایدار باشیم. به گفته این کارشناس افغان، در حال حاضر مردم افغانستان غایب است و افغان ها از روند صلح آگاه نیستند و باید در پرتو وفاق ملی و انسجام، افغان ها به صلح پایدار خواهد رسید که تاکنون این موضوع مورد توجه کنشگران و بازی گران منطقه و جهان قرار نگرفته است.

به باور این استاد دانشگاه در حال حاضر تعارض منافع بین کشورهای منطقه و فرامنطقه وجود دارد ونگرانی های از حضور و قدرت مند شدن داعش در منطقه نگرانی ها را بوجود آورده و شماری از کشورها تلاش می کند که در واقع بواسطه طالبان جلو رشد داعش را بگیرند.به گفته نظری، بنابر این اگر نقش کشورهای منطقه با توجه به روابط که با افغانستان دارند، در نظر گرفته نشود، ما هرگز نمی توانیم به صلح پایدار دست پیدا کنیم و پس ازچند بار گفت و گو بن بستی در مذاکرات رخ نشان خواهد داد.

نظری که خود به عنوان یکی از معاونان در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نامزد است، میگوید تمام متغیرهادر روندصلح باید در نظر گرفته شود و در غیرآن نمیتواند به صلح و امنیت دایمی دست یافت.در عدم صلح و امنیت هیچ یکی از این خواسته های جامعه جهانی، منطقه و همسایه های افغانستان از جمله ضمانت طالبان که داعش و القاعده به کشورهای دیگر حمله نکنند، جامه عمل نخواهد پوشید. وی تأکید کردزمانی جلوی تهدید به کشورهای منطقه، جهان از افغانستان گرفته می شود که صلح پایدار از منظر وفاق ملی بدون معاملات پشت پرده و بر مبنای منافع مردم افغانستان تأمین شود.

آن چه تاکنون از گفت وگوهای صلح بیرون داده شده، نشان می دهد که امریکا در تلاش قانع کردن طالبان برای حفظ پایگاه های خود در افغانستان است وطالبان هم درتلاش قانع کردن امریکا برای خروج از این کشور است، زیرا طالبان باوردارد که اگر نظامیان خارجی در افغانستان حضور نداشته باشد، میتواندازمسیر جنگ حکومت را دراختیارخودبگیرد.

خیالی که به نظر باطل می رسد و امکان آن وجود دارد که با خروج نظامیان امریکا بازی های داخلی در افغانستان عوض و نقش کشور های منطقه و منافع آن ها از نو تعریف شود و در صورتی که صداقت کامل برای تأمین صلح در تمام طرف ها ازجمله امریکا ، طالبان، دولت افغانستان و کشورهای منطقه و همسایه ها بهه وجود نیاید؛ صلح همچنان با چالش مواجه خواهد بود./

درس های متنوع ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

دریکی ازشبهای داغ تابستان که تازه خوابیده بودم، تلفون زنگ زد، باخود گفتم که حتما کسی ازکلینیک پشاورموسسه است، چون دوهفته میشدکه مصارف شانرانفرستاده بودم، اما باتعجب صدای دوستم عزیزالرحمن راکه در پشاور دفترداشت شنیدم. بعدازتعارفات معمول گفت که ازنندگی درپشاور خسته شده و تصمیم دارد دوباره به امریکا بیاید واگرممکن باشد نمایندگی موسسه اش رادرامریکا تاسیس کند. گفتم میتوانم رهنمایی اش کنیم که موسسه اش رادرامریکا ثبت کند وچون موسسه غیرانتفاعی است، مصرفی ندارد، اما باید جایی رابرای دفتردرنظر بگیرد... گفت که هنوززورزدقیق آمدنش رانمیداند ومرا درجریان خواهدگذاشت.

روزبعد غلام عمر معاونم که چندماه میشدبا من کارمیکرد، تلفون کردکه شاید یکی دوساعت ناوقت تربدفتربیاید، اماهنوزچند دقیقه نگذشته بودکه آمد وگفت که کسی دربیرون در منتظر است تامرا ببیند. تعجب کردم وگفتم که با کسی وعدهٔ ملاقات ندارم اما می تواند بیاید، دربازشدوعزیزالرحمن باتبسم گفت: ببخشین، اجازه اس؟ بسیارتعجب کردم چون شب قبل برایم گفته بود که ازپشاور تلفون میکندووقت آمدنش به امریکا رانمی داند. گفتم که اگر میخواست غافلگیرم کند، موفق شده است.

عزیز بزودی دفترش را پهلوی دفترمن تاسیس کرد، اوآدم با تجربه بود و سال ها بار مسئولیت تمویل کلینیکهای صحتی متعددی رادرافغانستان بدوش کشیده بود، ومن میتوانستم ازتجاربش استفاده کنم. بزودی اوبرایم سنگ صبوری شد وباحوصله مندی به مشکلاتی که موسسهٔ ماآآن روبرو بود، گوش میداد. گاهی هم فکرمیکردم که شایدحوصله اش بیشتترناشی ازعلاقهٔ که بمن دارد باشد، چون هنوزیادم بودکه چندسال قبل درپشاورگفته بود که دوستم دارد.»

«حدود دوماه بعدازسفربه افغانستان با رندل به تماس شدم وگفتم که قاری بصیر معاون آقای زاهد کمرهٔ را که نماینده های امریالمعروف ازماگرفته بودند، ازنزدشان گرفته وبه دفترما درپشاور فرستاده است، ازتعب فریادی زد وگفت: «باورم نیمایه باورم نیمایه، ثریا، سفربه افغانستان هیچوقت ازیادم نمیره چرا که هیچ چیزقابل پیش بینی نبود.» بعدراجع به سفرآینده ام ستوال کرد وگفت که میخواهدبرای تکمیل فلم مستندش بازبه افغانستان سفرکند، اما منتظر است تایکی ازکمپنی های فلم سازی مصارف سفرش رابدهند. جواب دادم که شایدقبل ازختم سال دوباره به افغانستان سفرکنم، امامطمئن نیستم.

یکی ازروزها که برای رفتن به دفترآمادگی میگرفتم ومثل همیشه تلویزیون راروشن کردم تاخبارصبح راببینم، تصویربرجهای تجارتی معروف نیویارک درپردهٔ تلویزیون ظاهرشد ومتعاقب آن بدنهٔ طیارهٔ رانشان دادکه داخل یکی از برجها شده وازشکاف عمیقی که بوجودآمده بود، دودغلیظی درفضاپخش میشود، باخودگفتم که اعلان بیمزه ایست وکمپنی هاچه کارها که برای فروش بیمهٔ حیات نمی کنند- آخرامکان اینکه یک طیاره به برج نیویارک بخورد ومنفجرشود چنددرصدخواهد بود؟ اما دیدم که موضوع واقعیت دارد. چنددقیقه بعد همانطوریکه خبرنگاراخبار رابصورت زنده پخش میکردبافریاد گفت که طیارهٔ دیگری به برج دومی نزدیک شده است، هنوزحرفش تمام نشده بود که طیاره به برج دومی اصابت کرد. بیالهٔ قهوه ازدستم افتادو به زمین نشستم. بعد باعجله به دفتررفتم تاموضوع رابه دیگران بگویم ...»

خوانندهٔ گرامی جریدهٔ مردمی امید، بقیه پیش آمداین واقعهٔ تراژیک را که ثریاجان باتفصیل نگاشته، اکثرشما نیزجریان ۱۱/۹ رابه چشم سردیده خواهید بود. درپی این رویداد وپس ازحملة امریکابه افغانستان وسقوط طالبان بعداز واقعهٔ ۱۱سپتمبر، ثریاجان احساس راحتی کرده ونوشته است::... روزبعد صابره رادیدم، اوحالا زن خوش لباس بود بااعتماد به نفس وامیدبه آیندهٔ بهتر. روم را بارهابوسید وباخوشحالی گفت که دیگردوران مکاتب مخفی بسررسیده وبه زودی دروازه های مکاتب بروی همه بازخواهدشد.

برای اولین باربه وزارت معارف رفتم، باوزیرحکومت انتقالی ملاقات کردم وگفتم چون موسسات بزرگ بین المللی بیشتربه مراکزتوجه دارند، لذاامامی خواهیم اولین مکتب رادرنطقهٔ پغمان اعمارکنیم. بعد یادآوری کردم که بیشتر کمکهایی را که میآوریم، اعانهٔ افغانهای مقیم امریکاست، تعجب کرد وگفت که فکرمیکرد افغانهایی که درخارج زندگی میکنند وطن شانرا فراموش کرده اند !

باغرورجواب گفتم: وزیرصایب، افغانهاسالیهاس که موسسهٔ مارا کمک می کنن وتابه حال صدهاهزارنفر درافغانستان وپشاور ازهمی کمکهای شان استفاده کدن، بعد باتبسم گفتم که افغانهاوطن خودرافراموش نکرده اندومن یکی ازآنها هستم.»

ولی این باربرای تان تحفهٔ تعلیم وتربیه راآورده ام که چراغ راه تان خواهدبود تادریز تو آن تهداب زندگی نوین وباسعادتی رابگذارید. بلی من منتظرهمین روزبودم. حالا که بعدازسالها خورشید صلح جسم خستهٔ افغانستان رابانور خود مینوازد، وقت آنست که فرزندان این سرزمین بپاخیزند وهسته های امید رادرمینههای خشکیده اش بکارند. امیدم برنی است که بازسقفها ودیوارهای مکاتب سربلندکنند تانسل های نو زندگی جدیدی رادر پرتودانش آغازکنند. هموطن من، بگذارسهم من وتو برای بازساختن افغانستان فراهم ساختن زمینه های خواندن ونوشتن به نسلهای آینده باشد...

آن شب، خسته ازفعالیتهای روز اماخوشحال ازینکه یکی ازآرزوهایم بر آورده شده، روی صفحهٔ جدیدی ازکتاب خاطراتم بیتی ازرازق فانی رانوشتم:

خواهدبچشم خویش ببیند شکست شب

درانتظارجلوهٔ فرداست قلب من

معرفی مختصرکتاب روشنگر ونمونهٔ تلاش ومساعی راستین یک بانوی وطندوست، ثریاجان سدید رابه آرزوی صحت وسعادتش وباذکردومصرع رازق فانی، که بیانگراحساسات این بانوی فرهیختهٔ افغانستانی دردآشنا وفداکاراست، خاتمه میدهم:

ریشهٔ ما ، ساقهٔ ما ، برگ ما

ذره ذره هستی ما، مرگ ما

جمله رامدیون آن آب وگلیم

وای اگرپیوند هارا بگسلیم !

داکترلطیفی

الکسندریه، ورجینیا

چشم‌پیدی از شبکهٔ تلویزیونی طلوع سیلاب ویرانگر
فراه، زمستان همین سال۲۰۱۹
وقتی گزارش تکان دهنده والمناک سیلاب شهرفراه راباچشم سردیدم، یادم از شعرسعدی آمدکه قحط سال دمشق را مواحه به خشکسالی و زمین سوزی و تلفات جانی ومالی شدید ترسیم نموده بود، ولی درشهرپرحاصل فراه سیلاب و آبخیزی ویرانگر مردم ومزارع ومواشی رابه تباهی کشید. اینک صحنهٔ غم انگیزچشم‌پید را درچند مصراع آزاد تقدیم میدارم :

چنان سیلابی سرازیر شد اندر فراه

که نه خانه وشجره ماند نه مزرعه وراه

ناله پرمی کشید طوفان در تلاطم مدهدش امواج

با رعد وبرق و بادهای سخت همراه

فرو می ریخت سیلاب ز دامن هرکوه وکمر

نماند سبزه وشجر نه علوفه جزچند برگ کاه

سیلاب مهیب و ویرانگر بود درمسیرش

توگویی سرکشیده زهرسو عفريت ونهنگ و ازدها

مکدر شدآسمان وتاریک ماند خانه ها بی نورچراغ

مردم ومواشی ز خشم طوفان می شد پیهم تباه

خروش کودکان بشنو وگریهٔ زار مادران

دادرسی نداشتند جز انعکاس شیون و آه

سیلاب ببلعد همه چون ددان وحشی بی بند وبار

ناپدید گشت زآسمان خورشید و ستاره و ماه

نعرهٔ طوفان با تلاطم امواج می آمیخت

با رعد وبرق و تندباد ها به همراه

مزارع غرقه درآب و مواشی سرگشته ونیمه جان

به یغما رفت باغ و باغچه وناپدید شد جاده وراه

اجسادمردگان صحن مزار ساخت روی دریا را

زنده ها درتلاش آخرین ملجأ وامانده وگم کرده راه

خداوندآ آسیب دیدگان فراه را احیای مجدد بخش

تا باز رستگاری یابند درپناه آن ایزدی درگاه

یادداشت: قرار گزارش یکی ازشبکه های تلویزیونی افغانی، اشرف غنی احمدزی چندین ملیون افغانی رابه کمک سیلاب زدگان قندهار تجویز نمود، ولی از کمک به آسیب دیدگان شهر فراه اشارهٔ نگردید.

قصص الانبیاء (دنباله ازصفحهٔ سوم)

عزیر دعاکرد وزن بلافاصله بیناگشت وچشمانی سالم وچهرهٔ شاداب یافت ودستهاوپاهای عزیر رابوسید ودرهمان هنگام نزدقوم بین اسرائیل که فرزندان ونوادگان عزیر هم درمیان شان بودند، رفت وعدهٔ ازآنان به سن ۸۰سالگی وعدهٔ به سن پنجاه سالگی رسیده وچندنفر ازمسالان وهمعصران عزیرهم در میان شان بودندکه آب ورنگ جوانی ازآنان رفته و روزگاراستخوان هایشان راست کرده بود. زن درمیان آنان فریادزد: عزیری را که ازصدسال پیش گم کرده بودید، خداوند در سن جوانی وشادایی به سوی شما بازگردانیده است .

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

عزیر بابدنی تنومند وافراشته درمیان آنان پدیدارگشت، اماآنان توضیحات او رالانکارکردند وآنرادروغی بزرگ پنداشتند وتصمیم گرفتندکه اورابانظر وگفت وگو بیازمایند وباحجت وبرهان او رامتحان کنند. یکی ازفرزندانش گفت: پدرم برروی کتفش نشانهٔ داشت که باآن تشخیص داده شده وشناخته میشد وچون کتفش رانگاه کردند، فرزندانش آن نشانه راشناختند ونوه هایش آن نشانه راآنگونه که شنیده بودند یافتند، اماآنان خواستندکه اطمینان خاطر باید ویقین حاصل کنند وهرگونه شک وشبههٔ را ازخود دورنمایند وازاین رو یکی ازبزرگان آنهاگفت: به ماگفته شده است که اززمان حملهٔ بخت نصربه بیت المقدس وسوزانده شدن تورات، برروی زمین بجز چندنفر اندک، دیگر کسی تورات رازحفظ نداشت ویکی ازآن کسانیکه تمام تورات راحفظ کرده بود، عزیر بود، پس اگرتو عزیر هستی، ازتورات آنچه راکه حفظ نموده ای برما بخوان وعزیر تورات رابدون هیچ انحراف وکم وکاستی برایشان خواند و حتی آیهٔ ازآن راترک نکرد.

دراین هنگام همگی بااودست دادند وسخنانش را باور نمودندوبه اوتبریک گفتند، امابه علت شقاوتی که داشتند به ایمان شان چیزی افزوده نگشت، بلکه برکفرشان افزوده شد وگفتند: (عزیر پسرخداست) توبه، ۳۰ /

غنی در پی آتش زدن ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

است که گفته‌های محمداشرف غنی نادرست، مغایر روحیهٔ ملی، مغایر فیصلهٔ لویه جرگهٔ قانون اساسی و قوانین نافذهٔ کشور است. آقای حق‌دوست به این باور است که لقب قهرمان ملی در چارچوب و از مجرای قانون، یکبار با فرمان ریاست‌جمهوری، بار دوم با فیصلهٔ لویه جرگه و بار سوم با مصوبهٔ مجلس نماینده‌گان به تصویب رسیده و مختص و در انحصار شهید احمدشاه مسعود است.

شماری از شهروندان به این مورد نیز اشاره کرده و با استناد به گفته‌های چند هفته پیش محمداشرف غنی گفته اند که او در سخنانش در ولایت نورستان گفت، از احمدشاه ابدالی تا حامد کرزی همه به زور خارجی‌ها به حکومت خود ادامه داده اند؛ این تنها اوست که بی‌هیچ محافظ خارجی به حکومت رسیده است.

تاریخ‌نگاران و شهروندان به این باور اند، این مورد نشان می‌دهد که او بدون در نظرداشت واقعیت‌های تاریخی از هر فرصتی استفادهٔ تبلیغاتی می‌داند و هیچ متوجه نیست که در صحبت‌هایش چقدر تناقض وجود دارد.

پیش از این نیز محمداشرف غنی از غازی امان الله خان به عنوان قهرمان ملی افغانستان یاد کرده است. آقای غنی یک‌بار در در محفل گرامی‌داشت از روز جهانی جوانان و بار دیگر در پنجمین نشست شورای عالی توسعهٔ شهری در قصر دالامان، غازی امان الله خان را قهرمان ملی خطاب کرد.

در حالی که در هر دو بار، بنیاد شهید مسعود و در مجموع نویسنده‌گان، فرهنگیان، شهروندان و فرماندهان جهادی کشور از این بابت آقای غنی را ملامت کرده و به باد انتقاد گرفتند، اما به نظر می‌رسد که آقای غنی توجهی به این واکنش‌ها و انتقاده‌ها نداشته و عمدهٔ غازی امان الله خان را قهرمان ملی می‌خواند. /

عمر داوودزی. اشرفغنی را فروخت

احتمال برکناری اشرفغنی و سرپرستی عمر داوودزی قوت گرفته است. منابع مختلف به نیویورک تایمز گفته اند داوودزی در یک سلسله گفتگوهای پنهانی با مقامات امریکایی و غربی از آنان خواسته تا بالای غنی فشار بیاورند که استعفا کند.داوودزی به آنان گفته غنی درحال بردن افغانستان به سال های گذشته است و ادامه حکومتش میتواند جنگهای ویرانگرداخلی رادامن بزند.منابع نیویورک تایمز گفته اند که دیپلماتهای غربی وامریکا روی چندین گزینه کار کرده اند و شخص داوودزی یکی ازگزینه های جانشینی غنی به شمار می رود.

(این خبر در بخش تلکس شایعات سایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان نشر شده است)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخهٔ آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

مذاکرات دوحه ... (دنباله ازصفحهٔ اول)

پروسهٔ آنرا تسریع نمایند و طالبان را از آن اطمینان بدهد، باوجودی که غنی احمدزی را در جریان نگذاشت و سهم دولت افغانستان را نادیده گرفت، غنی احمدزی مکتوب شخصی درارتباط به موضوع به ترمپ ارسال نمود، قراراطهارات کسانیکه این مکتوب را دیده اند، احمدزی درنامهٔ خود توصیه هایی برای ترمپ ارائه کرده و عواقب خروج آنی عساکرامریکا را پیشبینی نموده است و برای اینکه توجه شخص ترمپ را که به پول خیلی ها علاقمنداست جلب کرده باشد، درآن مکتوب نوشت:»

به نظراینجانب هیئتی ازجانب هر ا دو کشور تعیین شودتا راه خروج عساکرامریکا را مطالعه نماید تا به مصرف کم این کار صورت بگیرد و اندازهٔ قوا را از چهارده هزاربه سطح موثری تقلیل بخشند و راهی را که خدمت شما پیشنهاد مینمایم، سالانه بیش از دو بلیون دالربرای امریکا صرفه جویی میشود و اندازهٔ قوای امریکا در افغانستان به کمتر ازسه هزار عسکر کاهش می یابد.
« ترمپ به این مکتوب اهمیتی نداد و در ماموریت خلیلزاد سکتنگی وارد ساخت !

خلیلزاد درضمن سفرهای کاری اش به کشورهای منطقه به ارتباط این مذاکرات با اشرف غنی احمدزی هم دبدو وادیدهایی نموده که ناظرین فضای آنها را سردتعریف کرده اند. او درین ملاقاتها خواستهای احمدزی را نادیده گرفته و کدام پیامی از طرف ترمپ به احمدزی باخود نداشت، در حالیکه برعکس، قراراطهارات مقامات بلند پایهٔ پاکستان، خلیلزاد پیام شخصی ترمپ برای به این مقامات باخود آورده بود!
طوریکه معلوم میشود خلیلزاد به آنچه مأمور شده صادقانه عمل میکند، و احتمالاً برایش هدایت داده نشده که به غنی احمدزی چه بگوید و چه وعدهٔ برایش بدهد. البته این تقصیر خلیلزاد نیست، او به آنچه مامور شده عمل میکند و نمیتواند از جانب خود وعده و وعیدی بدهد، اما این کاستی غنی احمدزی است که مسایل را درک کرده نمی تواند.

قراراطلاعات از منابع نزدیک به ارگ، در صحبت های که میان خلیلزاد و غنی صورت گرفت، علاقهٔ شدید غنی در آن بود که بداند که اگر امریکا در نظر دارد یک حکومت موقت بوجود بیاورد، وی چیغ و فریاد می زد که من هرگز حکومت موقت را قبول ندارم نه امروز، نه فردا نه صد سال بعد از این ! اما خلیلزاد در برابرش خاموش بود و چیزی نمی گفت. خلیلزاد درآن مذاکرات از حکومت موقت یا اینکه سرنوشت حکومت فعلی و بخصوص غنی و عبدالله و گروپ مربوط آنها چه میشود، هیچ حرفی نزد و فقط مسایل مربوط به خروج عساکرامریکا و تعهدات طالبان در جلوگیری از جاگزین شدن تروریست هایی که ضد امریکا اند در افغانستان بحث کرد، که سبب ناراحتی شدید غنی احمدزی شد و دوستی و رفاقت شان را مکدر ساخت.

قرار صحبتهای مخفی که از سفارت امریکا و مقر ناتو در کابل بطور ناخواسته بیرون شده، خلیلزاد از صحبت مقامات امریکا با طالبان در مورد تشکیل یک حکومت موقت با شرکت طالبان آگاهی کامل داشته و از مسودهٔ موافقتنامهٔ بین دولت امریکا و طالبان در مورد آن ترتیب شده، آگاهی دارند. این توافقنامه چندی قبل از آغاز مذاکرات قطر توسط خانم لورل میلر، یک دیپلمات سابقه دار و زارت خارجهٔ امریکا طرح ریزی شده است. ولی خلیلزاد که یک دیپلمات زیرک و باحوصله است، می داند که برای او اجازه داده نشده که در مورد آن چیزی بگوید. خانم میلر در زمان او با ما موظف شده بود تا در مورد قضایای جنگ در افغانستان با او همکاری نماید و راه بیرون رفت آنرا جستجو نماید. تشکیل حکومت موقت با شرکت طالبان از طرح های او می باشد که مسودهٔ آنرا مدت ها قبل به همکاری طالبان و مقامات پاکستانی پی ریزی کرده است .

از فحوای مذاکرات شش روزه در دوحه برمی آید که صحبت ها عمدتاً روی دو طرح برای افغانستان بعد از خروج عساکر امریکا متمرکز بود، یکی تشکیل حکومت موقت با شرکت طالبان، و دوم ساختن یک دولت مطلق طالبی. جالب این است که هم طالبان و هم غنی احمدزی تشکیل حکومت موقت را قبول ندارند! چنانچه غنی در صحبتهایش با خلیلزاد گفته «دولت موقت رانه امروز نه فردا نه صد سال بعد کسی در افغانستان قبول ندارد، و هرکسی که طرح تشکیل موقت را که یک مفکورهٔ احمقانه است داده است، باید دوباره فکر کند و آنها مشتی از مامورین سابقه اند که من ایشان را شاگرد هم نمی گیرم.!!!»

Maaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 27, Issue No. 1056 , MARCH 21, 2019, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel :(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

طالبان دولت موقت را بخاطری نمیخواهند که پاکستان آنرا نمیخواهد، چه پاکستان هراس دارد که اگر دولت موقت تشکیل شود احتمال دارد که در آن اشخاص ملی و وطن دوست افغانستان داخل شوند و مغز مکدر طالبان را روشن خواهند نمود و زمینهٔ طغیان ویی اطاعتی آنها را از پاکستان مساعد خواهند ساخت که برای پاکستان مشکل خواهد بود. از قرائن برمی آید که اگر دولت موقتی در نظر گرفته شود، در آن غنی احمدزی و عبدالله و تیمهای شان به حاشیه رانده می شوند و موجودیت شان در آن حکومت مطرح بحث نمی باشد. اگر ایشان مطرح بحث می بودند و مورد حمایت امریکا قرار می گرفتند، امریکا مجبور نبود که این مطلب را از آنها مخفی نگهدارد.

از امکانات بعید نیست که عدهٔ از کسانیکه در کنفرانس ماسکو رفته بودند شامل کابینهٔ موقت باشند. طوریکه دیده شد طالبان و وزرگان شان بدون کدام سؤال و جواب وبدون کدام معطلی در آن کنفرانس اشتراک کردند. قرآن را در طاق های مدارس پاکستان ماندند، پشت به کعبه کردند و دوان به ماسکور زادگاه کمونیسم رفتن و در جایی که فضایش خاطرات لینن را در خود دارد نشستند !!!

فضای کنونی در ریاست جمهوری امریکا به ارتباط مسایل افغانستان طوری است که این کشور بعد از خروج عساکرش به اینکه چه نوع حکومتی در افغانستان بوجود میآید (طالبی یا موقت) و به چه کیفیتی میباشد چندان علاقمند نیست. اصل قبول شده نزد ایشان اینست که هر دولتی بوجود میآید باید مطیع و فرمانبردار و حافظ منافع آن باشد، اینکه در رأس آن یک طالب باریش و لنگوته باشد یا یک مزدور دیگری بادریشی و نکتایی، تفاوتی نمی کند. به عبارت دیگر اگر کلاه احمد را بر سر محمود بماند فرق نمی کند چون مطمئن اند که احمد و محمود هر دور فرمانبردار و از خود اند !

مثلاً در کنفرانس ماسکو که بتاریخ پنجم فبروری دایر شد، از طرف طالبان شیر محمد عباس ستانکزی نمایندهٔ کل تعیین شده بود. او در مذاکرات قطر نیز بحیث نمایندهٔ طالبان بود. شیر محمد عباس ستانکزی، اشرف غنی احمدزی و زلمی خلیلزاد همه از دوستان سابقه هستند و از سالیان دراز با همدیگر آشنایی دارند و از زمانی که طالبان در کابل قدرت را بدست گرفتند، هرساله روزها از آغاز صبح الی غروب آفتاب در دهلیزهای وزارت خارجهٔ امریکا پایین و بالا می رفتند و به نفع طالبان و استقرار حکومت آنها تعریف و توصیف آنها جانفشانی می کردند. اینها برای برسمیت شناختن حکومت طالبان توسط ایالات متحده از هر آنچه که در توان داشتند دریغ نمودند که نتیجه نداد، و سنای امریکا بخاطر خصوصیات غیر انسانی و ددمنشانهٔ طالبان به دولت امریکا باوجود اینکه در به وجود آمدن طالبان همکاری نموده بود، اجازه نداد که رژیم غیر انسانی آنان را به رسمیت بشناسد.

هرسهٔ اینها یکدیگر را خوب میشناسند، به اصطلاح سیر و پودینهٔ یکی برای دیگری معلوم است. هر سه آنها برای سالها با سازمان جاسوسی آی اس آی و سی آی ای همکاریها نموده اند و این سازمانها هر سه را خوب می شناسند. در قسمت شناخت خلیلزاد و غنی احمدزی مشکلی وجود ندارد و تا اندازهٔ همه در مورد شان معلومات کافی دارند. اما باید گفت که ستانکزی را که صاحب منصب عسکری بود و گرایش چپی داشت، دولت آنوقت افغانستان به هند برای تحصیلات نظامی فرستاد، ولی بعد از ختم تحصیلات بعوض اینکه بوطن برگردد به پاکستان رفت و در تنظیم استاد سیاف داخل شد و مسئول کارهای ارتباطی تنظیم سیاف با استخبارات و نظامیان پاکستان بود. استخبارات پاکستان ستانکزی را شخص مطمئن و دلخواه یافتند و او را با سی آی ای معرفی کردند که با این سازمان همکاریهایی به ارتباط افغانستان نموده است. ستانکزی به اندازهٔ در داخل آی اس آی ذوب شد که رابطه اش با تنظیم استاد سیاف قطع گردید و زمانیکه طالبان در کابل قدرت را بدست گرفتند، آی اس آی او را به حیث معین وزارت خارجهٔ طالبان مقرر کرد. استاد سیاف در زمان مقاومت در یک محفل خصوصی گفته بود: «من این بچه گک (ستانکزی) را به زیر دست خود گرفتم ولی رفته رفته کارش بجایی رسید که مه رد پایش را گم کردم تا اینکه خبر شدم معین وزارت خارجهٔ طالبان شده است!»

خاطرات استادان و شاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۸ ارسال دارند.
تلفون ۰۰۹۶-۴۳۵-۵۷۱
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192 U. S. A.

بدین ترتیب برای امریکا بی تفاوت است که با کدام ازینها معامله میکند، غنی احمدزی، عباس ستانکزی، حامد کرزی و یاکس دیگری ازین قماش! همهٔ اینها آشنایان قدیم آی اس آی پاکستان، سی آی ای امریکانه، از آزمون آنها موفقانه بدر آمده اند و یاس آب و نمک مراکز جاسوسی را خوب میدانند! اما مردم افغانستان طالبان را بهتر از آنها بی که ایشان رازده اند و در دامان خود پرورده اند می شناسند. همه میدانند که طالبان کسب و کمال دیگری بجز قتل و غارت، ویرانی و آتش سوزی، ظلم و بیداد ندارند و انجام اعمال انتحاری و کشتن بیگناهان از مقدمات ایشان است و طی پنج سال حکمروایی خود و طی هفده سال گذشته بیش از شصت هزار هموطن مارا کشته اند که روی این حساب هر طالب حداقل قاتل دو هموطن ماست و اندازهٔ ویرانی و عقب مانعی کشور ناشی از اعمال این فساد پیشگان بحساب و کتاب نمی گنجد و دور از تصورات.

امریکا باید بداند که بقدرت رساندن مجدد طالبان به معنی تبدیل کردن افغانستان به حمام خون است. مردم افغانستان این جانیان را خوب میشناسند، فریب تزویر آنها را دوباره نمی خورند و هرگز حاضر نیستند که زیر سیطرهٔ وحشتزا، ظلم و بیداد آنها زندگی کنند. مردم افغانستان دیر یازود در برابر این گروه مزدور و اوباش بسیج میشوند و صفوف مقاومت و مبارزه را بر علیه آنها میسازند و وطن خود را از لوث آنها پاک میسازند.

به امید آزادی وطن، نابودی دشمنان وطن و رسوایی هر چه بیشتر جاسوسان و خیانت کاران ! /

پادداشت زبان مادری ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

نظر قبانی نویسنده و شاعر و دیپلمات سوریه یی (متوفی ۱۹۹۸) میگفت ما پوست تمدن را پوشیده ایم ولی روح جاهل و قرون وسطایی داریم ! نگاه به زبانها ولسنه از درجهٔ تعصب، تمرد و منتهای بیخردی است با سیاستهای نا بخردانه و ناعاقبت اندیشانه .

در حصهٔ موجودی بنام انسان که خود قوهٔ نطق و بیان دارد، خالق هرو وجود و موجود برایش ارزانی نموده، پس شمشیر تفرقه و آتانیکه در نقش کار دولبه اند هرگز و ابداً نمی توانند یک زبان را منقلب و متضرر سازند. زیرا احیاناً اگر زبانی دیگر ارامی پسندند و یا شوق ابداع کلمات را برای غنی سازی آن دارد، امانباید که قصد فشار برای نابودی زبان دیگری را داشته باشند. فراموش نشود چیزیکه سرنوشت انسانها را میسازد استعداد هایش نیست بلکه انتخاب هایش است. توجه شود که اشتباه یک داکتر طب زیر خاک دفن میشود، ولی اشتباه یک مهندس روی خاک سقوط می کند و همگان ناظر اشتباهش میشوند ! اشتباه یک سیاست پیشه حکومت و ملت و کشوری را به فنا و سقوط می کشاند، و اشتباه زبان شناس زبان را به انقراض می برد.

امروز زبان شناسان واژه شناسانی هم پیدا شده اند که دریانات شان بجای مشکلات یا مشاکل، (مشکلات ها) میگویند، بجای جمع امر که امورا ست، (امورات) می فرمایند، اما خط و خطوط ترسیم میکنند که در زبان گویشی و نوشتاری اینطور بگوید و اینطور بنویسد، آتطور بگوید و آنطور ننویسد! مثلاً بجای واژه، کلمه، به عوض آگهی ها، خبرها بگوید، کنش و واکنش و چالش ننویسد، اما هدایت میدهند که پرابلم و سیستم و گالری بگوید که مأنوس و با معناست !

دولتمدارها و سیاستمدارها هم در همین لجن غرق اند و به دادخواهی مردم واقعی نمیگذارند و به غنای فرهنگی توجهی ندارند و به مردم خود اعتماد نمی کنند. برتولت برشت گفته اگر دولتی به ملتش اعتماد ندارد و بدان تمکین نمیکند، بهترست آن دولت با انحلال ملتش، مردم دیگری برای خود انتخاب کند! خیلی وقتها میتوان بعضی ها را بخاطر کوتاهی هایشان بخشید، ولی بخاطر بدی هایشان هرگز! آری، بخاطری ارزش ساختن ارزشها و آوردن ضدارزشها هرگز! اگر این حس نهادینه می بود، وطن میشد گل و گلزار، حس انسان دوستی، حس وطن دوستی و حس وظیفه شناسی و شایسته سالاری !/(دنباله دارد)